

# دولت جدید از مجلس رأی اعتماد گرفت حالا هنگام عمل است

## چهره‌های رنگارنگ ضد انقلاب را بشناسیم و با آن مبارزه کنیم

هموطنان! اعضاء و هواداران حزب توده ایران! توطئه‌های تبلیغاتی ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران را نزد توده‌ها افشاء کنید

امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا و اعمال داخلی آن برای مبارزه علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما، با گستاخی تمام به میدان آمده‌اند و همه شکل‌های ممکن برای تضعیف و تلاشی انقلاب ایران را به کار می‌برند. یکی از خطرناکترین جبهه‌هایی که توسط دشمنان انقلاب هائی که گشوده شده است، جبهه تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، زیر پوشش گروه‌های به اصطلاح مبارز ملی‌گراست، که جو ایران نباشد (یا در حقیقت نفت ایران نباشد) تن آن‌ها میاد (که میاد) سرکردگان این جبهه بطور شبانه‌روزی به فعالیت اشتغال دارند و روزانه ده‌ها نوع اعلامیه رنگارنگ علیه انقلاب و جمهوری

**اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران:**  
**حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید، آیت الله طالقانی شرکت می‌کند**

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از کلیه اعضاء، هواداران و دوستان حزب دعوت میکند که در مراسم که برای بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید آیت‌الله طالقانی، در ساعت ۴ بعدازظهر پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، به دعوت ستاد برگزارکننده مراسم، در بهشت‌زها برگزار میشود، شرکت جویند و خاطره آن بزرگمرد را گرامی دارند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۹/۱۹

مسائل سیاسی را با زور نمی‌شود حل کرد  
صفحه ۷

یاسر عرفات: ما به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارجح می‌نیمیم  
صفحه ۸

بحث‌های موافق و مخالف پیرامون دولت جدید به ریاست آقای رجایی و برنامہ آن، در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی پایان یافت و ۱۶۹ نفر از نمایندگان حاضر، با رأی موافق خویش تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران را - اگرچه هنوز چندین وزیر معرفی نشده‌اند - تسجیل کردند. تنها ۱۴ نماینده رأی مخالف دادند و ده نفر هم امتنع بودند.

باین ترتیب آخرین گام در راه ایجاد نهادهای جمهوری اسلامی ایران، برطبق قانون اساسی، برداشته شد. اینک دیگر میتوان گفت که، بقول معروف، «هر چیز در جای خود قرار گرفته و می‌بایست مرحله جدیدی از سازندگی، سازندگی جامعه‌ای مستقل و آزاد، برخوردار از مواهب زندگی انسانی و مناعت‌سوی بلندی بشری - آنچه‌انکه شایسته انقلاب بزرگ ما و هدف دهها هزار شهید بود - آغاز شود.

در آغاز این مرحله جدید، ما بیش از هر چیز به هم‌رایی و همدانستی در نبرد عظیم ضد - امپریالیستی، بمنظور رخنه کردن توطئه‌های مکرر و مرتب ضد - انقلاب، به همکاری و هم‌قدمی برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران و ریشه کن کردن بساط ظلم، فساد و بهره‌کشی، به هم‌فکری و همیاری برای پیدا کردن مناسب‌ترین شیوه‌های پیشرفت و سازندگی و بهره‌گیری از همه استعدادها و نیروهای انقلابی نیاز داریم. این نیازی حیاتی است، سرنوشت‌ساز است.

ولی آیا می‌توانیم بگوئیم که نخستین گام این مرحله حساس جدید تکامل انقلاب در چنین جو و در چنین شرایطی برداشته می‌شود؟ متأسفانه نه. از تعاون و همکاری و وحدت کلیه نیروهای انقلابی و حتی از هم‌قدمی و هم - دانستی کلیه شخصیت‌ها و قدرتمندی هائی که سکان کشتی کشور و زمام‌امور را در دست دارند، خبری نیست. برعکس، امام خمینی همه رابه حساسیت لحظه و اهمیت وحدت متوجه می‌کنند و می‌گویند: بقیه در صفحه ۸

باحتیاجات هفت‌هفته همبستگی با خلق شیلی عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در مصاحبه با خبرنگار نامه مردم: امپریالیسم امریکامیخواهد تجربه شیلی را در ایران تکرار کند  
صفحه ۷

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها: امریکا گروگانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند  
صفحه ۸

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۶، ۳۳۰  
پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵۰ ریال

**سخنان سفیر سابق آمریکا در ایران باز هم ثابت می‌کند: «گروگانها» بهانه‌اند، امریکا ایران را می‌خواهد!**

به اعتراف سولیوان، یک سال قبل از اشغال لانه جاسوسی، در حالیکه نه تنها فکر «گروگان گیری» مطرح نبود، بلکه محافل معینی لانس جاسوسی را نجات می‌دادند، امپریالیسم آمریکا در نگر کودتای نظامی در ایران بود.

«امریکا از سیاست پیشین خود در ایران دست برداشته است. امریکا می‌خواهد با ایران روابط عادی و دوستانه داشته باشد. آنچه مانع این روابط است، تنها مسأله گروگانهاست. اگر گروگانها آزاد شوند، امریکا به ایران حمله نظامی بقیه در صفحه ۸

# دستاوردهای جنبش کارگری ایران، یکسال ونیم پس از پیروزی انقلاب

امریکا و سرمایه‌داران آزمنده وابسته بشمار میرفت. همه طبقات و اقشار مولد ثروت جامعه در معرض چنین استثمار وحشیانه دوگانه‌ای قرار داشتند. اما طبقه کارگر، پیشاپیش کلیه طبقات و اقشار، در معرض استثمار دوگانه امپریالیسم و سرمایه‌های داخلی وابسته به آن قرار داشت. استثمار که بوحشیانه‌ترین شکل و با استفاده از همه روشهای «مجاز» و غیرمجاز صورت می‌گرفت.

همه ربع قرن تسلط رژیم نئکین کودتا راسالهای تصدید بدون وقفه استثمار کارگران از راههای گوناگون تشکیل می‌دهد. این کار، هم از راه‌ولانی نگاهداشتن روز کار، محروم داشتن کارگران از استفاده از مزایای قوانین کاری که حتی خود رژیم بر سمیت شناخته‌بود و تبدیل کارخانه‌ها و کارگاهها به شکنجه‌گاههای زیر نظارت ارتش‌های بازتخته و ساواکیا صورت می‌گرفت، هم از طریق بکاربردن روشهای تصدید استثمار در جریان تولید، و هم بالاخره از طریق پائین نگاه داشتن دستمزدها، کاهش مستمر سطح زندگی کارگران و تصدید فقر در میان آنان به اجرا درمی‌آمد. در ربع قرن تسلط رژیم کودتا، زانغنه‌بینی و ایجاد محله‌های کارگری بنام حلبی‌آباد، حسیرآباد و کاغذآباد در کنار شهرهای ایران به پدیده‌های عادی تبدیل گردید. این وضع که کخبا و کوخبا موازی با هم بالا می‌رفتند، معرف تصدید فقر مطلق و نسبی طبقه کارگر در شرایط استثمار همه‌جانبه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن بود.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷، بساط این نظام وابسته به امپریالیسم را درهم ریخت. نتیجه مستقیم این وضع، در شرایط پیروزی قلمی و نهائی انقلاب، رهائی طبقه کارگر ایران از استثمار وحشیانه دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های «خودی» وابسته خواهد بود.

واقعیت اینست که هنوز طبقه کارگر ایران تمام و کمال از زیر یوغ استثمار دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته رهائی نیافته و کوشش برای پایان دادن به این استثمار، که ریشه اصلی فقر و عقب‌ماندگی جامعه ایران است، باید ادامه یابد.

رژیم کودتا به طبقه کارگر ایران وارد آمد و فشار رژیم پلیسی - ساواکی محمدرضای خائن در مدت ۲۵ سال بیش از همه به طبقه کارگر ایران تحمیل شد. رژیم کودتا نه تنها این طبقه را از فعالیت سازمانهای صنفی و سیاسی خود محروم داشت، بلکه به قتل عام هزاران کارگر مبارز، زندانی کردن هزاران نفر از فعالین و بیگردد دائمی ووقفه ناپذیر کارگران و زحمتکشان ایران در همه ابعاد زندگی و کار و فعالیت پرداخت.

رژیم پلیسی ساواکی محمدرضا، که دست‌پرورده سیا و اینتلیجنس سرویس و موساد بود، سلطه ینکده دنیایی و قرون وسطایی وحشتناکی را بر همه جامعه ایران مستولی گردانید. اما این رژیم بخصوص در ارتباط با طبقه کارگر و مبارزان پیشتاز آن درندگی وهاری خاصی داشت. شلاق ساواک و پلیس محمدرضاشاهی به کرده همه مردم ایران وارد می‌آمد. اما خونین‌تر از همه، این شلاق ظلم و جور بر پشت طبقه کارگر فرود می‌آمد، که هم در کارخانه و کارگاه، هم در خانه و خیابان، از نگاه خشم و دست‌غضب مامورین ساواک رهائی نداشت.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، قیل از همه طبقه کارگر ایران را از سلطه این دستگاه جنیمی رهاساخته است. کارگران و زحمتکشان ایران، که خود عامل سرنوشت‌ساز پیروزی انقلاب بوده‌اند، هیچگاه از توجه به اهمیت نقشی که انقلاب در رهائی آنان از سلطه رژیم پلیسی - ساواکی ایفا کرده، غافل نخواهند بود و از این انقلاب با تمام نیرو و توان خود دفاع خواهند کرد.

اینجا مسئله برسر بهبود و یا عدم بهبود شرایط کار کارگران در دوران پس از انقلاب نیست، که چنانکه بعدا خواهیم دید، علیرغم مشکلات موجود، در این زمینه‌ها نیز دستاوردهای انقلاب برای کارگران کم نیستند. اینجا صحبت برسر رهائی طبقه کارگر از سلطه اهریمنی و جنیمی رژیم پلیسی - ساواکی است، که بیشتر بن و طاق‌فراست‌ترین فشار آن‌به طبقه کارگر وارد می‌آمد.

رژیم دست‌نشانده کودتا از نظر اقتصادی اهرم عمده استثمار منابع طبیعی کشور و مردم ایران بسود امپریالیسم و انحصارات غارتگر، و در توبه اول امپریالیسم

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، به رهبری امام خمینی، در یکسال و نیم پیش، دستاوردهای بسیار مهم و جدی برای جنبش کارگری دربر داشته است. جمع بست و ارزشیابی این دستاوردها، بویژه در لحظه کنونی، از آن جهت واجد اهمیت است که، ضدانقلاب می‌کوشد با استفاده از نارسالیهای موجود، از اهمیت انقلاب در نظر کارگران بکاهد، آنان را نسبت به نتایجی که انقلاب ببار آورده و ببار خواهد آورد، مایوس سازد و از این یاسی بسود خود و بزبان خلق بهره‌برداری کند.

بویژه حائز اهمیت است که، طبقه کارگر ایران آگاهی طبقاتی و سیاسی خود را در ارتباط با توطئه‌ها و حیل‌های گوناگون ضدانقلاب حفظ کند، بساط تبلیغات زهرآگین امپریالیسم آمریکا و جیره‌خواران ضدانقلابی آن نیافتد و با استواری و قاطعیت خدشه‌ناپذیر به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ادامه دهد، زیرا نه تنها دستاوردهای انقلاب در یکسال ونیم گذشته برای طبقه کارگر به معنی واقعی مهم و جدی است، بلکه مهمتر اینکه، تنها از راه تثبیت و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است که زحمتکشان ایران خواهند توانست به بهبود شرایط کار و زندگی و تحقق خواسته‌های صنفی و اجتماعی خود نائل گردند. غیر از این، برای برآوردن خواسته‌های طبقات زحمتکش جامعه، راه دیگری وجود ندارد.

دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی برای طبقه کارگر را در چند مورد اساسی و عمده می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

قبل از همه، دستاوردهای انقلاب برای طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان ایران در رهائی از تسلط رژیم پلیسی - ساواکی وابسته به امپریالیسم مجسم است. استقرار رژیم کودتائی شاه سابق، پس از کودتای خائنه ۲۸ مرداد، منافع همه طبقات و اقشار زحمتکش و ملی را زیر ضرب قرار داد. دوران اختناق ۲۵ ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد، با سرکوب آزادی و دموکراسی برای همه طبقات و اقشار جامعه ایران همراه بود. لیکن در این میان طبقه کارگر ایران، وضع خاصی داشت. مهم‌ترین و بیشترین ضربه اختناق در دوران تسلط

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه دیروز مجلس

دولت آقای رجائی با کسب برای اعتماد از

مجلس رسمیت یافت

آقای رجائی: ما به سویی می رویم که محتوی نهادهای رسمی را به سمت محتوی نهادهای انقلابی ببریم.

حجت الاسلام معادیخواه: اگر پستهای کلیدی دست افرادی که دلشان به حال جمهوری اسلامی می سوزد، سپرده شود، مطمئناً در آینده شاهد تحولات عظیمی خواهیم بود.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که در ساعت ۸:۳۰، به ریاست حجت الاسلام رفسنجانی تشکیل شد، بحث و بررسی پیرامون برنامه و ترکیب کابینه جدید ادامه یافت.

در آغاز جلسه، دکتر سامی، بعنوان سومین مخالف برنامه دولت، به خصوصیات یک جامعه مکتبی اشاره کرد و گفت:

«در جامعه مکتبی انسانها از امکانات برابر برخوردارند... و آزادی بیان، ابراز عقیده و اجتماعات برای افراد وجود دارد و موجب خلاقیت و پویایی زندگی است. در جامعه مکتبی حکومت مردم توسط مردم در شوراهای مردمی تحقق می یابد و همه افراد، اقتدار و گروههای کشور از حمایت قانونی برخوردارند و هیچکس حق ندارد افراد و گروهها را بدون رعایت حقوق قانونی از آزادی حیات و دیگر حقوق انسانی محروم کند... و اگر ما به سوی چنین جامعه ایده آلی حرکت می کنیم، می توانیم درباره برنامه دولت بحث کنیم.»

وی ضمن اشاره به مقدمه برنامه دولت آقای رجائی درباره اشکالاتی که در کار دولتهای قبل و شورای انقلاب بود، گفت:

«مشکل ما وجود حکومت ائتلافی نبود، بلکه نداشتن یک برنامه و تز مشخص بود...» وی افزود: «اینهایی که ایشان آورده اند، اصول کلی برنامه است، اما برنامه مشخصاتی دارد که در قسمتهایی از برنامه رعایت شده است، بطور مثال در قسمت اقتصادی زمان بندی رعایت شده است، ولی این مسئله در سایر جاها نشده است و این از نقاط ضعف برنامه است... وقتی می گوئیم تبیین دارو از راههای صحیح... و یا تامین بهداشت و درمان برای همه، اینها تکرار اصول است، و نه برنامه برای اجرای آن... این باید از نظر زمان بندی و برنامه روشنی که نشان بدهد دولت دارد در این جهت حرکت می کند روشن شود...»

دکتر سامی سپس به مسئله وحدت مردم اشاره کرد و درباره لزوم جذب نهادهای انقلابی و تحت کنترل بودن آنها توسط دولت سخن گفت. دکتر سامی در پایان سخنان خود از مسئله امنیت اجتماعی و حفظ آن توسط ضابطین، که شهربانی، پاسداران، کمیته ها و ژاندارمری باشد، سخن گفت و افزود:

«نیروهای انتظامی حافظین امنیت هستند و نه نیروهای نظامی.»

آنگاه دکتر آیت به عنوان سومین موافق پشت تریبون قرار گرفت. سخنان وی در چند مورد از سوی نمایندگان در موافقت با کابینه و برنامه دولت تشویق داده شد و مورد اعتراض قرار گرفت و به همین دلیل وی سخنان خود را ناتمام گذاشت.

مخالف چهارم پیرامون دولت، آیتاله گلزاده غفوری، نماینده تهران بود. وی در قسمتی از سخنان خود گفت: «کابینه جدید نباید بر اساس خرابیهای گذشته رفوگری کند... واقعا دیگر نباید کسی به خودش اجازه بدهد بیش از این مردم را منتظر نگاهدارد مبادا مانند آنچه که در ۱۸ ماه گذشته، گذشته باز هم تکرار شود و بعد از چند ماه باز بگوئیم اشتباه شده مردم انقلابی بودند و ما نبودیم و باز هم فریاد رهبر انقلاب، که احساس مسئولیت می کند، نسبت به شهدا و مردم بلند شود.»

وی ضمن اشاره به مواد برنامه دولت درباره امور قضایی و کار و امورات اجتماعی گفت: «برنامه در این موارد مسکوت است... آیتالله گلزاده غفوری در قسمت دیگر از سخنانش دادن رای

وی افزود: «بزرگترین اشکال فلیج کننده دولت گذشته این بود که پستهای کلیدی به کسانی سپرده شد و کسانی در مواضع حساس قرار گرفتند که نمی خواستند انقلاب را نجات دهند و به مردم خدمت کنند، نمی خواستند جمهوری اسلامی نجات پیدا کند... اگر پستهای کلیدی دست افرادی که دلشان بحال جمهوری اسلامی می سوزد، سپرده شود، مطمئناً در آینده شاهد تحولات عظیمی خواهیم بود.»

حجت الاسلام معادیخواه در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «این تصور که ما نیرو نداریم و افراد در اختیارمان نیست، اشتباه است. ما صدها کابینه داریم. نظام گذشته درها را بر روی عناصر صالح بسته بود و وزارتخانه ها در اختیار عناصر محدود شناخته شده بود.»

وی به مرحله فعلی انقلاب و اشکالات آن اشاره کرد و گفت:

«با همه اشکالاتی که وجود دارد، انقلاب خیلی قویتر از اینهاست... حجت الاسلام معادیخواه در پایان باردیگر تأکید کرد که:

«اگر این برنامه اجرا شود و دست کارشکنها کوتاه گردد، دست کسانی که هنوز در مواضع کلیدی و حساس رخنه کرده اند، کوتاه شود، نظام جمهوری اسلامی جا خواهد افتاد و ... شاهد روزی خواهیم بود که باین پیش بینی افتخار کنیم.»

در پایان صحبت موافقین و مخالفین برنامه دولت، که بیش از ۵ ساعت در طی دو جلسه ادامه یافت، آقای رجایی نخست وزیر برای پاسخ به سئوالات و نیز توضیح ابهامات برنامه کابینه خود، پشت تریبون قرار گرفت.

وی ابتدا باردیگر تأکید کرد که دولت «بند بند و جزء جزء قانون اساسی» را در نظر دارد و خواستش اجرای آن است. وی افزود:

«در مورد وزیرایی که تعیین نشده اند، سرپرست و یا نماینده ای از سوی نخست وزیر برایشان تعیین خواهد شد. و درباره وزارت دادگستری، شورای عالی قضایی هنوز کسی را معرفی نکرده است.»

نخست وزیر در قسمت دیگری از سخنانش درباره نهادهای انقلابی بطور مشروح توضیح داد و از جمله گفت:

«من بپیچوجه معتقد به ادغام نهادهای انقلابی در سازمانهای دولتی نیستم. من درباره دخالت افراد غیر مسئول خیلی شنیده ام، درحالیکه انتظار داشتم بشنوم، «کمک برادران چپانه»، «کمک برادران پاسدار»... به اعتقاد من آنچه که این نهادها اشکالی دارند، باید اشکالشان را رفع کنیم... اگر اینها (نهادهای انقلابی) احساس کنند، دولت برادر آنهاست و با آنها در یک خانواده است، چطور ممکن است آدم اشکالها را به

اعتماد از سوی نمایندگان را «نه رای اعتماد به برنامه دولت و تصویب آن، بلکه به معنای لزوم اجرای تکالیف توسط دولت» دانست. وی در پایان، ضمن اشاره به مسائل مهمی مانند «مسئله آزادی»، «مسئله امور قضایی»، «حل مسئله اقتصادی بنفع محرومین» و «ایجاد عدل و قسط و استقلال» خواهان توجه جدی و حل این مسائل اساسی شد.

سپس حجت الاسلام علی خامنه ای، امام جمعه تهران، بعنوان موافق چهارم برنامه دولت سخن گفت. وی درباره خصوصیات مثبت آقای رجایی سخن گفت و افزود: «بعضیها هستند که متدین و از لحاظ التزام به اسلام هم قابل اعتماد، اما اسلامی که آنها دارند، اسلام انقلاب ایران نیست، اسلام انقلاب ایران، اسلامی است که امام ارائه می دهند...»

وی در قسمت دیگری از سخنان خود درباره عدم هضم نهادهای انقلابی در دستگاههای دولتی گفت:

«تحت آن تاکنون مخالفان و مخالفان دولتها بوده است اگر این دولت با آغوش باز اینها را بپذیرد... مسئله ای بوجود نمی آید... حجت الاسلام خامنه ای سپس به شخصیت وزراء اشاره کرد و سابق آنها را بیان نمود و اظهار امیدواری کرد که هر چه زودتر همکاران متناسب با این جمع انتخاب شوند و کابینه تکمیل شود»

در ساعت ۱۰:۴۰، مجلس بعنوان تنفس تعطیل شد و در ساعت ۱۱:۲۵ با سخنان محمدجعفری، آخرین نماینده مخالف برنامه دولت، ادامه یافت. جعفری ضمن اشاره به معیارهایی که امام خمینی برای افراد کابینه تعیین کرده اند، (مومنین به انقلاب، مدیر، مدبر، فعال) مسئله تکمیل نبودن کابینه و امکان عدم هماهنگی در انتخاب بقیه افراد را متذکر شد.

وی در قسمتی دیگر از سخنانش گفت:

«در مورد سایر وزراء که در گذشته هم بوده اند، باید نحوه عملکرد خود را ارائه دهند، تا معلوم شود که عملکردشان چگونه بوده است.»

وی سپس خواست که علت عدم دقت و نیز برنامه دولت درباره قسمتهایی از برنامه منجمله آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر، آموزش عالی روشن شود. جعفری در پایان خواستار پس گرفتن برنامه از سوی آقای رجایی شد.

آخرین موافق جلسه دیروز، حجت الاسلام معادیخواه، نماینده تهران، ضمن تشبیه انقلاب ایران به کشتی بزرگی که دارای نواقصی است، گفت:

«آنچه که مرا به تأیید از برنامه جناب آقای رجایی وامیدارد آنست که، بوضوح دیده می شود که قرار است این کشتی ترمیم شود...»

حفظ بسیاری از مواضع در دست ضدانقلاب و سرمایه های امپریالیستی و وابسته است. برای از بین بردن این اختلالات، که ضربات جدی به کار و زندگی میلیونها کارگر وارد می سازد، طبیعی است که باید به محور ضدانقلاب و طرد کامل امپریالیسم و سرمایه های وابسته از مواضعی که هنوز در اختیار دارند، پرداخت، و نه اینکه نسبت به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی اظهار بدبینی و یا عدم اعتماد کرد و از آن روی بر تافت.

امپریالیسم و ضدانقلاب پرورده آن در کمین چنین روی بر تافتنی نیستند. طبقه کارگر ایران باتکیه بر آگاهی طبقاتی و سیاسی که دارد، این آرزو را بر دشمنان انقلاب، انجام نشده، باقی خواهد گذاشت و علیرغم مشکلات، یکپارچه و متحدتر، به طرد دوسر کوب ضدانقلاب و حامیان امپریالیستی آن خواهد پرداخت.

در ارتباط با مشکلاتی که گران، بیکاری، تورم داشته شده بود، به طبقه ای بدل ساخت که در حیات پس از انقلاب امکان فعالیت اجتماعی - سیاسی دارد و می تواند تأثیر جدی در تعیین سرنوشت خود، جامعه و انقلاب داشته باشد. طبقه کارگر ایران در دوران پس از انقلاب رسماً و قانوناً از حق تشکیل صنفی و شورائی برخوردار شده، که پیروزی بسیار مهمی بشمار میرود.

اصل ۲۶ و اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به طبقه کارگر ایران اجازه داده است که از تشکیل صنفی و فعالیت سیاسی برخوردار باشد و از طریق نظام شورائی در اداره تولید، در جهت تامین عدالت اجتماعی شرکت موثر داشته باشد.

این حقوق، که کارگران ایران طبق آن اکنون می توانند از راه تجمع و تشکل در انجمن های صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) و از طریق شرکت دادن نمایندگان خود در شوراهای نظارت بر تولید در کارخانه ها و کارگاهها،

دستاوردهای جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۱

دادن امتیازات ناچیز، از انفجار انقلابی از جانب طبقه کارگر جلوگیری می کردند.

تغییراتی که تنها در مدت یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب در آن زمینه ها صورت گرفته، نه فقط چشمگیر، بلکه واجد اهمیت است. کارگران ایران از پیروزی انقلاب بعد، به برکت تحریک و اجتماعات شورائی و صنفی خود، به نیروی موثر در پایان دادن به شرایط کار اسارت بار سابق و دسترسی به حقوق قانونی خویش نائل شده اند. بعنوان مثال میتوان از تغییراتی که در میزان حداقل دستمزدها صورت گرفته (پس از انقلاب سطح حداقل دستمزدها پیش از دوبرابر افزایش یافت) به تصویب قانون حداقل ۴۴ ساعت کار در هفته، به برابری مرخصی های رسمی کارگران و کارمندان، که هفت دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی مهمی هستند، اشاره کرد.

در همانحال با تاسف فراوان باید خاطر نشان ساخت که افزایش بی سابقه گران، تورم، توسعه بیکاری، کمبود کالا و احتکار در ماههای اخیر، موجب شده است که طبقه کارگر نتایج مثبت ناشی از افزایش دستمزدها را خیلی زود از دست بدهد.

اما کارگران بخوبی تشخیص می دهند که گران، تورم، توسعه بیکاری و احتکار دستاوردهای انقلاب نیست. اینها میراث شوم گذشته و نتیجه مستقیم فعالیت ضدانقلاب و توطئه های امپریالیسم غارتگر از خارج و داخل است. کارگران بدرستی می دانند که، اختلالات موجود در شرایط کار و زندگی آنان زائیده

طبقه کارگر ایران از آن آگاهی طبقاتی و سیاسی برخوردار است که بتواند توطئه دشمنان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را خنثی کند و با حفظ دستاوردهای این انقلاب، دشمنان قسب خورده این را از یاد در آورد.

۲۵ سال تمام کارگران و زحمتکشان ایران، به معنی تام و تمام کلمه، حق نفس کشیدن نداشتند. استفاده از آزادیهای اجتماعی - سیاسی برای طبقه کارگر اصولاً مطرح نبود. حق انحصار و امتصاب و تظاهر از کارگران سلب شده بود. رژیم سابق طبقه کارگر ایران را به بند کشیده بود و بطرق گوناگون مانع از شرکت کارگران در سرنوشت خود و کشور بود.

انقلاب این بساط را درهم ریخت و طبقه کارگری را که زیر چکمه خونین ساواکی ها و پلیس های رژیم پهلوی از هر نوع حقوق اجتماعی - سیاسی محروم نگاه داشته شده بود، به طبقه ای بدل ساخت که در حیات پس از انقلاب امکان فعالیت اجتماعی - سیاسی دارد

و می تواند تأثیر جدی در تعیین سرنوشت خود، جامعه و انقلاب داشته باشد. طبقه کارگر ایران در دوران پس از انقلاب رسماً و قانوناً از حق تشکیل صنفی و شورائی برخوردار شده، که پیروزی بسیار مهمی بشمار میرود.

اصل ۲۶ و اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به طبقه کارگر ایران اجازه داده است که از تشکیل صنفی و فعالیت سیاسی برخوردار باشد و از طریق نظام شورائی در اداره تولید، در جهت تامین عدالت اجتماعی شرکت موثر داشته باشد.

این حقوق، که کارگران ایران طبق آن اکنون می توانند از راه تجمع و تشکل در انجمن های صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) و از طریق شرکت دادن نمایندگان خود در شوراهای نظارت بر تولید در کارخانه ها و کارگاهها،

آنها بگویند و آنها نپذیرند؟ ما به دنبال اینها، برنامه ریزی و عمل هستیم. اینها و عمل در مورد سپاه پاسداران و جهاد سازندگی از همان ابتدا وجود داشت، چیزی که میماند برنامه ریزی است، که آنها قوی (تقویت) خواهد شد. ما به سویی می رویم که محتوی نهادهای رسمی را به سمت محتوی نهادهای انقلابی ببریم...»

وی در بخش دیگری، در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان درباره امکان فعالیت آزاد گروه های سیاسی گفت:

«در این مورد من به قانون اساسی، هم معتقدم و هم ملاک عمل قرار میدهم و قانون اساسی هم در این مورد نظر صریح دارد.»

نخست وزیر در پایان سخنانش، ضمن تشکر از نمایندگان که موافق و مخالف صحبت کردند، اظهار امیدواری کرد که هر چه بیشتر از راهنماییها و اظهار نظرهای نمایندگان برخوردار باشد.

پس از خاتمه سخنان آقای نخست وزیر، مجلس وارد رای گیری شد. رای گیری بصورت علنی انجام گرفت، در نتیجه نمایندگان با ۱۶۹ رای موافق، ۱۴ رای مخالف و ۱۰ رای متنع، به کابینه جدید رای اعتماد دادند.

حجت الاسلام رفسنجانی در پایان جلسه اعلام کرد: تاریخ جلسه بعدی مجلس روز یکشنبه ساعت ۹ صبح خواهد بود و در آن جلسه موضوع پاسخ نامه نمایندگان کنگره آمریکا، اعزام هیئت هایی جهت بررسی وضع سفارتخانه ها و نیز نامه ۱۱۳ نفر از نمایندگان مجلس مبنی بر دعوت ریاست جمهوری برای ادای توضیحاتی پیرامون سخنانشان در روز ۱۷ شهریور، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.»

جلسه مجلس ساعت ۲:۱۰ بعد از ظهر پایان یافت.

در حاشیه مجلس!

مجلس رئیس دارد! دکتر آیت، که در یکی از جلسات گذشته بر اثر بی نظمی مکرر بدستور حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، از جلسه اخراج شده بود، دیروز هنگامی که در موافقت با دولت جدید سخن می گفت، مورد اعتراض چندتن از نمایندگان، که این صحبتها را خارج از موضوع می دانستند، قرار گرفت. وی در پاسخ گفت: «مجلس رئیس دارد» و حجت الاسلام رفسنجانی بلافاصله گفت: «خوب است بالاخره رئیس را قبول کردید!»

قطعاً الرجال یا صور کابینه؟! حجت الاسلام معادیخواه در سخنانش، ضمن اشاره به اینکه «کافی است در وزارتخانه ها بروی مردم باز شود... آنگاه ما صدها کابینه داریم»، گفت: «و حتی می توانیم آنها را صادر کنیم...» وی در پایان سخنانش، ضمن اشاره به گفته خودش، گفت: «منظور من روشن است که یک مزاح سیاسی بود و جواب به آن آنکه مرتب می گویند قطعاً الرجال داریم...»

رای اعتماد به کابینه و شادی نمایندگان و تماشاگران

بدنبال اعلام رای اعتماد نمایندگان به کابینه، تماشاگران و نمایندگان با فریادهای رسای تکبیر شادی و خوشحالی خود را از تشکیل کابینه اعلام داشتند. حجت الاسلام رفسنجانی نیز ضمن تبریک آیه ای را به مناسبت این موضوع قرائت کرد. در پایان جلسه، با آنکه شمار دادن در مجلس ممنوع است، تماشاگران شعارهایی در تأیید کابینه رجایی دادند.

از جمله کسانی که به کابینه جدید رای مخالف دادند: مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مهندس صیغیان، مهندس معین فر، غصتفریور و سلامتیان... بودند.

موسسات و ادارات و شرکت در فعالیت سیاسی، فاعلی در دفاع از انقلاب و سازندگی بسود خودوچا، انقلابی ایران داشته باشند، دستاوردهای عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی برای طبقه کارگر بشر میروند. آنها که میکوشند با چنین دستاوردهایی بر طبقه کارگر، این طبقه را نسبت به انقلاب بدبین ساز سعی بیپوده میزود می دارند.

البته کارگران ایران چنانکه باید و شاید، از موفق نشده اند از امکاناتی که پیروزی انقلاب در درز تشکل و فعالیت صنفی و سیاسی و فعالیت شورائی، آنان بوجود آورده، تمام و کمال استفاده کنند و قدرت تشکل آگاهانه صنفی و مبارزات اجتماعی را وثیقه تحکیم انقلاب و کسب دستاوردهای دیه در سرکوب کامل امپریالیسم و ضدانقلاب، قرارده ولی همین نقص و اشکال جدی در جنبش کارگری نتیجه ۲۵ سال تسلط مرگبار امپریالیسم و رژیم دس نشانده بر جامعه ماست.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران نه از لحاظ رهائی کارگران و زحمتکشان از سلطه رژیم ساواکی - پلیسی وابسته به امپریالیسم، بلکه هم جهت ایجاد شرایط مساعد برای شکل یابی ط کارگر ایران، بعنوان آگاه ترین و نیرومندترین ط در جامعه ایران، مورد حمایت و پشتیبانی خدشه ناپذ و بی دریغ کارگران ایران است.

کارگران ایران در تدارک، تکوین و پیروزی انقلاب نقش فعال و قاطعی داشته اند. بدون شبهه آن در دفاع از دستاوردهای این انقلاب و تعمیق آن، با داد مبارزه سرسختانه علیه امپریالیسم، بسرگردگی امپریالی آمریکا و ضدانقلاب وابسته به آن، نقش تاریخی مهیست ایفا کرده و خواهند کرد.



# «خدمات» معاون ساواک

همین چند جمله، که از دهان انصاری، کسی که پس از کودتای ۲۸ مرداد به مقام معاونت کل ساواک ارتقاء می‌یابد، بیرون می‌آید، از نظر تاریخ‌توضیح نقشی که جاسوسان "سیا" برای تدارک زمینه کودتا فراهم کرده‌اند از دهها مقاله‌ای که با هوسرایان می‌نویسند و توده‌یها را عامل سقوط مصدق می‌نامند، گویاتر است. این جاسوسان "سیا"، کسانی نظیر انصاری هستند که ما موریت می‌یابند "عوامل چپ و توده‌یها"، یعنی بزرگترین پشتیبانان دکتر مصدق را سرکوب کنند، تا راه را برای پیروزی کودتا هموار سازند چنانکه این ما موریت را نیز اکنون، عوامل دیگری از همان قماش به عهده گرفتارند. این جانی حربه ای "سرکوب توده‌یها" را هم جرم نمی‌دانند و با کمال سخرمی ادعا می‌کنند که:

"تاکنون نیز در هیچ کجا ما به عنوان سرکوبگر مردم نام نبرده‌اند و این خود دلیل پاکدامنی من می‌باشد."

انصاری در جواب دادستانی، که در کفرخواست خود او را یکی از بنیان سازمان ضد مردمی ساواک می‌نامد، می‌گوید:

"این جانب در تا، سپس ساواک منحل هیچ نقشی نداشتم و در اداره مشارکت من این بود که یک نفر افسر آمریکایی در اداره نشسته بود و افسران پیش او می‌رفتند و طرح اداره خود را می‌دادند، که من هم مثل بقیه رفتم و طرح اداره پنجم ساواک را دادم."

انصاری ابتدا مدیر کل اداره پنجم، سپس مدیر کل اداره دوم و پس از آن معاون کل و آزر کل ساواک بوده است.

این هم درس عبرت دیگری از تاریخ: مدیران کل ساواک طرح ادارات خود را به "یک نفر افسر" آمریکایی که در اداره نشسته بود" می‌دادند. آری طرح سازمانی ساواک را افسر آمریکایی باید تصویب کند. و این تنها ساواک نیست، همه جای دیگر نیز یک امریکایی نشسته بود و بایستی طرحها به تصویب او می‌رسید. آیا بر چنین کشوری می‌توان نامی جز مستعمره گذاشت؟

هر قدر زندگی گذشته، در دوران نظام شاهنشاهی روشنتر و گوشه‌هایی از تاریخ پنجاه ساله میهن، آشکارتر می‌گردد، اهمیت و سبک و سبک و سبک بزرگ بهمن با - عظمت بیشتری به چشم می‌خورد.

بیشتر می‌دانیم؟ چه داشتیم؟ ایران چه بود جز یک اسیرهای در بند در جنگل امپریالیسم آمریکا؟

دست توانای عدالت جنایتکاران ضدانقلابی را بکلیک از کامپایان بیرون می‌کشد و به دادگاه می‌کشاند. جلدانی که دهها سال بر شط خون می‌ریختند و به پاس "خدمات" ارزنده‌شان به دستگاه سنگین شاهنشاهی، بکلیک پله‌های قدرت را زیر پا گذاشته تا به درجه امیری می‌رسیدند، امروز دفتر اعمالشان را در دادگاههای انقلاب ورق می‌زنند و آنان را به کفر می‌رسانند.

کنمکن برسر اینکه با این جنایتکاران چگونه باید رفتار کرد، جزئی از مبارزه وسیعتری بود و هست که بین جناح لیبرال و رادیکال جنبش انقلابی ایران از همان آغاز وجود داشت و تاکنون نیز وجود دارد. لیبرالها می‌گفتند و می‌گویند که، اسلام دین رحمت و بخشایش است و باید جرمی را که گردانندگان رژیم سابق، اعم از لشکری و کشوری، در چارچوب اجرای "وظائف" خود مرتکب شده‌اند، عفو کرد و حتی آنها را پاکسازی نکرد، زیرا به گفته آنان:

گور حکم خود که مستگیرند در شهرها نگاه می‌کنند! انقلاب به راهنما می‌یابد! حکیمانۀ "لیبرالها" اعتنائی ننموده‌اند که دادگاه‌های انقلاب را منحل نکرد، شمشیر عدالت را نشکست و، چنانکه شیوه‌ها را انقلاب مردمی است، دشمنان خلق را شناسائی کرد و بهای محاکمه کثیم، و مقتضای عدالت و رحمت نیز چنین بود، زیرا ترجم بر مستمگر ستم بر مستمیده است.

اینک دست انقلاب گریبان یکی دیگر از جلدان شاه را گرفته و او را "به عنوان یکی از پایه‌های رژیم سابق" محاکمه می‌کند. این جنایتکار حرفه‌ای، سر تیپ بازنشسته محمدانصاری، معاون کل ساواک سابق است.

محاکمه هر یک از این جانان خود یک درس عبرت تاریخی است و برده‌های از گذشته دردناک میهن ما را مجسم می‌کند. حاکم شرع به انصاری می‌گوید:

"شما به عنوان یک فرد در اینجا محاکمه نمی‌شوید شما به عنوان یکی از پایه‌های رژیم سابق در اینجا محاکمه می‌شوید. شما یک مقام عالی‌رتبه بوده‌اید شما سعی کنید به این عنوان از خودتان دفاع کنید."

انصاری در پاسخ او می‌گوید: "من وظیفه ام را انجام می‌دادم."

و حاکم شرع به او جواب می‌دهد:

"شما فکر عقل نداشتید؟ همین انجام وظیفه‌های شما باعث شده که ۲۵ سال دیگر این ملت تحت ستم باشند و بدبختی بکشند."

ببینید انصاری چه وظیفه "مقدس" را انجام می‌داده است. و می‌گوید:

"من یکی از هواداران حکومت مرحوم دکتر مصدق بودم. من ما موریت داشتم که عوامل چپ و کمونیست را سرکوب کنم... من در روز ۲۷ مرداد از طرف سرهنگ اشرافی ما، مورشدم تا از هرج و مرج توسط توده‌یها جلوگیری کنم."

اسف انگیز به آن دلیل که، ساواکی‌ها این حرف را در تعلق با حاکم در برخی از محافل دینفرد می‌رسند و می‌خواهند "قربانیت" خودشان را به آنان در "مبارزه علیه توده‌یها"، به عنوان کفاره گناهان خود وانمود کنند.

ایا همین اظهارات کسانی چون انصاری و تهرانی سکه‌گر معروف و دیگران، که "حرف دهن خودشان را می‌فهمند"، بهترین دلیل بر نادرستی سیاست ضد توده‌ای نیست؟

تاریخ ثابت می‌کند زندگی انصاری به نگرانی می‌دهد که، تمام دیکتاتورهای فاشیستی جهان، که رژیم شاهنشاهی نیز یکی از فرومایه‌ترین آنها بود - همیشه از سرکوب "عوامل چپ" شروع و سپس همگام شده است. فاشیسم در ایتالیا، آلمان و اسپانیا، با سرکوب کمونیستها آغاز گشت و سپس حتی دهان راستین‌ترین احزاب بورژوازی را نیز بست. سبلی و اندونزی نمونه‌های دیگر آن هستند. شاه سابق نیز همین روش دیکتاتوری خونین خود را برقرار ساخت.

شاه سابق در آخرین کتابی که قبل از مرگش نوشت، صراحتاً اعتراف می‌کند که، ساواک را برای مبارزه با حزب توده ایران تأسیس کرده است. مهمترین اعضای ساواک، افسران دزد و سفاکی نظیر انصاری بودند که در دوران مصدق به عنوان "مبارزان ضد توده‌ای" شناخته شده بودند. مستشاران آمریکایی که ساواک را تشکیل دادند، برورنده بکلیک افسران ایرانی را، که خدمت پذیرفتند، از نظر می‌گزاردند و نخستین شرط پذیرش آنان "صدتوده‌ای" بودنشان بود.

ولی ساواک همین که جای پای خود را محکم کرد به سراغ دیگر نیروهای مردمی آمده ابتدا از دانشگاہیان و دانشجویان مبارز غیرتوده‌ای آغاز کرد و به تدریج دامنه سرکوب و کشتار را تا حوزه‌های علمیه سط داد.

این واقعت را یک لحظه نباید فراموش کرد که تعصب کور ضد توده‌ای بهترین زمینه را برای موفقیت کودتای ۲۸ مرداد فراهم کرد. و به همین دلیل نیز بقای هاکه بعدا سرشان از سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلستان در آمد، به این تعصب دامن می‌زدند. امروز امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی همین شیوه را عیناً دنبال می‌کنند. ساواکیها نیز ازانان هستند و خود را در این زمینه چنان موفق می‌بینند که، سر - مدارشان انصاری امیدوار است با توسل به "خدماتش" در دوران مصدق بر ضد "توده‌یها" گریبان خود را از جنگال عدالت برهاند.

چه امید بی پایه‌ای! تاکنون هیچ داد گاهی در دام خدعه این فریبکاران نیفتاده است. تردید نداریم که دادگاه شماره ۳ انقلاب، که سر تیب - انصاری را محاکمه می‌کند نیز عدالت را در حق وی جاری خواهد کرد و او را به کفر شایسته‌اش حوا هد رساند.

## ایجاد درگیری و تشنج - کار اصلی گروهکهای مائوئیستی

ترجیه‌های بوک، در هر جا که باشند، تنباه یک کار اشتغال دارند، و آسب ایجاد محیط درگیری و تشنج و نفاق در بین مردم است، تازه‌ترین محلی که این "ترجیه‌ها" جولانگاه تحریکات و نفاق انکی- های خود قرار داده‌اند، ده "تیوگلا"، در ۲۰ کیلومتری شمال غربی ساری است. در این ده، مائوئیستهای حزب دواشکوبه "توفان"، محیطی تشنج و آشفته بوجود آورده‌اند. آنان با صدور اعلامیه‌هایی سراسر توهین به امام خمینی و انقلاب جمهوری اسلامی ایران، بانوشتن شعارهای ضدانقلابی بردیوارهای ده و بی احترامی به معارف مذهبی مردم، از یک سو و اذیت مردم را نسبت به مبارزان کمونیست بدین کرده‌اند و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم را برای درگیری میان مردم بوجود آورده‌اند.

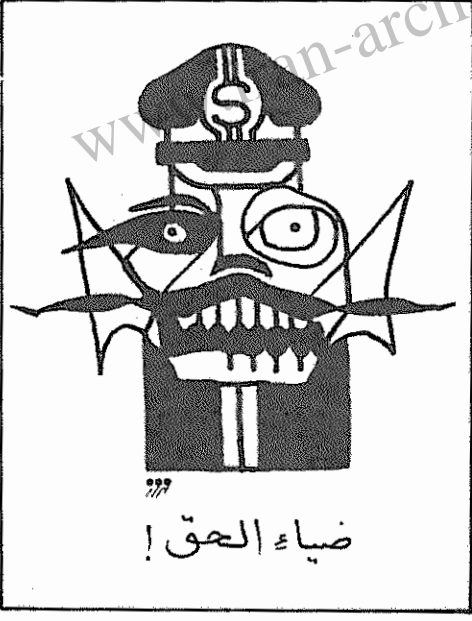
اخیراً، در شبهای قتل در ماه رمضان، آنان با ایجاد تشنج، مراسم مذهبی خاصی را که مردم تدارک دیده بودند، بهم زدند و درگیریهایی در محل بوجود آوردند. این عناصر ضدانقلابی از سخنرانی نماینده جهاد سازندگی جلوگیری کردند و مبنی بسوس حامل اعضای انجمن اسلامی رادرم شکستند. آنها حتی سعی کرده‌اند تا مردم محل را علیه ساه باسداران انقلاب بخوراند. این عناصر ضدانقلابی باسداران را "عامل آمریکا" خوانده‌اند و تا حال چندین بار مردم را دعوت به درگیری با باسداران انقلاب کرده‌اند.

لازم به تذکر است که رفتای توده‌ای در این ده، مانند همه جا، سعی کرده و می‌کنند تا با روشن کردن ماهیت واقعی این گروهکها و نیز خنثی کردن توطئه‌ها و تحریکات آنها برای آشوب کشیدن منطقه، نقش انقلابی خویش را برای تثبیت و تحکیم انقلاب و مصون ماندن آن از انواع توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا ایفا کنند.

## برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

خبرگزاری پاکستان صریح نگفته است که سیاست خارجی ایران باید بروی "خط برزیل" پیش برود، این خبرگزاری خواست خود را در قالب حمله به حزب توده ایران، که گویا مخالف با "پیوندهای حکومت‌های اسلامی در ایران و پاکستان" است، مطرح کرده است.

به این شگرد رایج باید توجه لازم مبذول داشت.



## «نیش» خبرگزاری پاکستان به حزب توده ایران

در واقع همان مبانی سیاست معروف به "همزیستی مسالمت آمیز" است که باید پایه مناسبات متقابل بین کشورهای مختلف با نظام‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف، را تشکیل دهد.

از طرف دیگر، این واقعت عیان است، که رژیم ضیاء الحق در پاکستان، رژیم است همانند رژیم شاه ملعون در ایران، زیر سلطه امریکا و عاسلی اجرای سیاست امریکا در منطقه. به این رژیم، که با قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، به عرابه جنگی بیناگون زنجیر شده، به دنبال پیروزی انقلاب ایران نوعی نقش "زاندارم منطقه" ای واگذار شده که، می‌بایستی در درجه اول علیه انقلاب‌های ضد امپریالیستی و خلقی افغانستان و ایران عمل کند. بنا بر این، تا زمانی که حکومت در پاکستان، حکومتی است ظاهراً پاکستانی، ولی ماهیتاً امریکایی، نمیتوان و نباید مانند آقای قطب زاده، صرفاً به دلیل اینکه

خبرگزاری پاکستانی، حزب توده ایران را متهم کرده است که تلاش دارد روابط ایران و پاکستان را برهم زند. اگر دستگاه تبلیغاتی رژیم ضیاء الحق در پاکستان، علیه "حزب کمونیست توده بادستگاه تبلیغاتی امپریالیسم (آوسیتدیرس، یونایتد پرس، رویتر، فرانس پرس، صدای امریکا، بی بی سی، رادیوی عراق، رادیو "بختیار" و رادیو "اویسی")" هم صدا نمی‌شد، ارکستر ضد حزب توده ایران تکمیل نمی‌بود.

پشتیبانی اصلی و قاطع حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر محور مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم امریکا، برای تأمین و تحکیم استقلال واقعی و کامل سیاسی - اقتصادی، نظامی، فرهنگی ایران، خصوصت دیرین امپریالیسم

عمالش را نسبت به حزب ما بیش از پیش شدت وحدت بخشیده است، لذا اگر رژیم امریکایی پلیسی - نظامی ضیاء الحق در برابر این خصومت، به سهم خودنیشی به حزب توده ایران نمی‌زد، شکفت انگیزی بود، اما سبب این که ما لازم دانستیم سخنی درباره اتهام خبرگزاری پاکستان به حزب ما بیان داریم، نه ابراز خصومت این خبرگزاری است، که امری است "طبیعی"، بلکه مضمون اتهام است، به ویژه از این لحاظ که، "تصادفاً" همگون با اتهامی است که آقای قطب زاده به حزب ما زده است.

خبرگزاری پاکستان طی گزارش مفصلی درباره مسائل ایران، که از دیدگاه اسلام امریکایی و رژیم دست نشانده و فرمانبردار امریکا تنظیم شده، از جمله حزب توده ایران را متهم ساخته، که کوشیده است "پیوندهای حکومت‌های اسلامی ایران و پاکستان را برهم زند". این همان اتهامی است که آقای قطب زاده هم به حزب ما وارد می‌ساخت.

ما از تجدید این اتهام - این براتوس - خبرگزاری پاکستان به این نتیجه می‌رسیم که کوش در خلط صحبت در یک مسئله فوق العاده مهم سیاسی خارجی، به نحوی بیگیر و به مقیاس وسیع ادامه دارد و بنا بر این لازم می‌دانیم که مسئله کوشده شود. مسئله این است که مناسبات بین ایران با دیگر کشورهای جهان، از جمله با کشورهای همسایه، بر کدام مبانی باید استوار باشد؟

ما بر آنیم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای حفظ و تثبیت و تحکیم استقلال همه جانبه ایران، بر مبنای اصل نفی سلطه جویی و سلطه پذیری، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده، یعنی بر مبنای احترام متقابل به حق حاکمیت، به مصونیت بی‌خداشده تمامیت ارضی، عدم مداخله متقابل در امور داخلی یکدیگر، رعایت سود متقابل و مرضی الطرفین در برقراری مناسبات از رزگانی و اقتصادی و غیره برقرار شود. این مبانی



### وزارت کار از چه کسانی دفاع می کند؟

## بهوش باشیم، فردا خیلی دیر است!

جندی پیش یکی از کارگران تریکو باله (تهران) بوسیله کارفرما اخراج شد. کارگر اخراجی با مراجعات مکرر خود به اداره کار و بیگیری دعوی خود، سرانجام پس از شش ماه موفق شد شکایت خود را به اثبات برساند و هیات حل اختلاف بسوداوری داد. مطابق رای صادره، کارفرما ملزم به پرداخت مبلغ یکصد و شصت هزار و چهارصد ریال خسارت به کارگر اخراجی شد. ولی کارفرما صریحاً از پرداخت خسارت سرباز زد و کارگر اخراجی ناچار رای هیات حل اختلاف را در دادگستری به اجرا گذاشت، ولی با مراجعه به اداره کار دریافت که، به دستور صریح وزیر کار و امور اجتماعی و به عنوان این که کارفرما به رای مذکور "اعتراض کرده و طی نامه ای که در پرونده او وارد شده، رای هیات حل اختلاف نباید اجرا شود.

سخن کوتاه، کارفرما برای زهرچشم گرفتن از کارگران، برای زیر پا گذاشتن حقوق آنان و در جهت حفظ و افزایش منافع نامشروعی که از دسترنج کارگران بدست می آورد، کارگری را خودسرانه، "بنایه میل خود" اخراج می کند، رای صادره از یک مرجع قانونی رانمی پذیرد و در آخر کار نیز پیروز است، زیرا در نهایت، بالاترین مقام مسئول نیز به اوج داد است که دیناری نپرداد.

این کارگر یک زن است و می توان مجسم کرد که درجه شرایطی کارمی کرده است و چگونه نیازهای

گونگون زندگی و معاش خود را با جان کنندن، برطرف می کرده است.

در مقابل، کارفرمای که به قانون کار شاهنشاهی (!) پشتگرم است و می داند که هنوز در وزارت کار در بسیاری از موارد "دربهرمان پاشنه می چرخد" سرانجام عاقبت بخیر شده است.

راستی می توان باور کرد که باگذشت بیش از یکسال و نیم از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی ایران، حتی باگذشت دوماه از فریاد بردارداسام خمینی و با وجود طوفان های عظیم انقلابی در جامعه ما، همچنان، نه آرم و نشان طاغوت در بالای نامها به جای پای طاغوتیان در ضوابط و روابط تر و تازه باقی مانده باشد؟

آیا می توان چنین موارد هولناک بی توجهی و زیر پا گذاشتن حقوق ابتدایی زحمتکشان را اقداسی در راستای انقلاب و موافق با خط عمیق خلقی اسام خمینی، رهبرانقلاب، به حساب آورد؟

باسخ بی تردید منفی است، واقعیت این است که انقلاب و رهاورد های مبارک آن هنوز در بسیاری از شئون اجتماع ما، و از آن جمله آن جا که به زندگی برپایز و مشق بار کارگران مربوط می شود، راه نیافته است. این مدعا را می توان به راحتی در لایحه قانونی جدیدی که این اواخر به تصویب رسید (جراید سیزدهم شهریور جاری) نیز دنبال کرد. در این لایحه نحوه تنظیم قرارداد کار موقت بیسن کارگر و کارفرما، در یک آیین نامه دوازده ماده ای مدون شده است. از جمله مواد آن یکی هم این است که:

"در صورتی که کارفرما قبل از انقضای مدت

قرارداد، بنا به جهاتی نتواند از خدمات طرف قرارداد استفاده نماید، با پرداخت ۲/۵ روز دستمزد به ازای هر ماه خدمت، می تواند به خدمت طرف قرارداد خاتمه دهد.

بر هیچکس پوشیده نیست که موادی از این دست، از نواده های ماده ۳۳ قانون کار کذایی است و در بهترین حالت همانقدر در خدمت کارگران خواهد بود که جد طاغوتی آن.

این بار "کارفرما" اگر "بنایه جهاتی"، بخواهد کارگر را اخراج کند، که در لایه ماده مذکور عبارت "نتواند از خدمات طرف مقابل استفاده کند" تصریح شده، با پرداخت مبلغ ناچیزی عذر کارگر را می خواهد. جالب این جاست که در همین آیین نامه کارگرموظف است کلیه امور مربوط به شغل خود را زیر نظر کارفرما یا نماینده او یا سرپرست مستقیم انجام دهد، ولی اگر کارفرما "به جهاتی" نتواند "از خدمات طرف مقابل استفاده کند"، آنگاه همه آنچه که کارگر رفته، در یک لحظه بنبه می شود.

با کمال تأسف این عین واقعیت است و کارگران انقلابی، جاره ای جز استخفاف با چنین شرایطی ندارند، و حتی اگر بیمه باشند و رسمی و موقت

نیز نباشند، باز بر آن ها آنگاه که کارفرما اراده کند همان خواهد رفت که بر کارگر اخراجی تریکو باله. در چنین شرایطی کیست که نداند ضد انقلاب چه فرصت های گرانبایی را به جنگ آورده است و چگونه با دستاویز قرارداد این نارسایی ها که متأسفانه جدی و سخت درخور توجه است - در برآفتاب محیط کار، در دامن زدن به موارد اختلال در تولید چه توفیقی خواهد داشت.

آیا این گونه اقدام ها "دشمن شادکن" نیست؟ واگر هست، چرا مسئولان امر، نمره انقلاب مستضعفین را در زورق آیین نامه ها دودستی تقدیم کارفرمایان مستکبر می کنند؟

ما بارها گفته ایم و تاگزیر از تکراریم که باید به خودسری کارفرمایان پایان داد. انقلاب باید بر کار و زندگی کارگران و به سود آنان تاثیر کند. برای زحمتکشان داشتن کار و برخورداری از تامين در کار برابر با حق تنفس است. کارفرمایان این زندگی گیاهی را نیز به رسمیت نمی شناسند و این خودکامی را از سالیان دراز بهره کشی در نظام منفرجه پهلوی آموخته اند. قانون کار آری بنده باید راه را بر این خیره سری ها سد کند. نظام انقلابی ما باید سر سخنان به دفاع از کارگران برخیزد و پایبندی عدالت را در واحدهای تولیدی استوار سازد. بی گمان این یگانگی راه انقلابی است و تردیدی نیست که سرانجام با پایبندی زحمتکشان و با تعمیق و گسترش انقلاب سرانجام صحنه های دردناکی از آن دست که بر شمر دیم، از میان بپاشد. آنگاه که امروز و این جا جای تاکید دارد، همداری است که نه فقط لازم، بلکه فرض است. همداری که فرصت های طلایی کنونی را نباید از دست داد.

## نگاهی به کوره آجرپزی بهبهان زندگی کارگران کوره پز خانه ها در شان انقلاب نیست



کاش دولت بکار صاحب کوره ها رسیدگی کند و آنها نتوانند پسا زور بگویند.

"در زمستان هم نمی شود کار کرد. من ۷ نفر نان خوردیم و بجز این شغل کار دیگری بلد نیستیم. زمستان جان می گنم برای لقمه های نان."

"باید با افزایش دستمزد - تا آنجا که هر کارگر کوره با آن بتواند زندگی خود و خانواده اش را بچرخاند آنها را از این وضع نجات داد. هیچ خبری از بیمه و بازنشستگی نیست"

"این کار مستقیم و بردرد و رنج، بدون تعطیلی و استراحت، بی هیچ نوع مزایا، چه آینده ای دارد؟ درازا؟ فرسودگی های ناشی از این کار، مشکل بیمه و بازنشستگی در انتظار این زحمتکشان است. یکی از کارگران جوان که کلاس سوم نظری را خواند، می گوید:

"زمستان درس می خوانم و تابستان کار می کنم. در کارگاه، کلیه در دستمزد و تمام درآمد صرف دو زندگی می شود."

"در شرکت آجر پزی من مدت یک ماه کار کردم، که اخراج شدم. به همجا هم رجوع کردم، فایده نداشت."

یکی دیگر از کارگران، که جوان ۱۵-۱۶ ساله ای، بنظر می رسد، می گوید:

"من بدلیل اینکه شب را کنار جوی آب می خوابم، مالاریا گرفته ام و چند روزی است که باید درآمد را صرف دکتر دارو کنم."

ورفیش اضافه می کند:

"با ۸۰ تومان درآمد، اگر مرخص شویم و بخواهیم دکتر برویم، دیگر پولی برای خرج و خوراک باقی نمی ماند."

با این وصف از آنهایی که بر سریم که: جزا تا به حال بیمه نشده اند؟ یکی از آنها می گوید:

"هر وقت از اداره بیمه به کوره می آمدند، ما را بیمه کنند، کوره دار به ما می گفت، فرار کنید میان درخت ها. و اگر ما کار را نمی کردیم، کوره دار را ربایرون می کرد و ما هم از ترس بی کاری فرامی گردیم."

دیگری می گوید:

"باید همه با هم بروند اداره، کار تا بیمه شوند. آری، مسئولین باید حتماً زندگی آنها را در قبال "اخراج از کار"، بیماری ناشی از کار" و دیگر بلاها تضمین کنند."

"باید به رسیدگی کنید!"

خواسته های این زحمتکشان از مسئولین دولت انقلاب، بحق است و باید به آنها رسیدگی کرد. یکی از روستائیان، که به این کار مشغول است، می گوید:

"زمین کشاورزی نداریم. اگر زمین داشته باشیم، ول می کنیم و به دامداری و کشاورزی در محل خودمان ادامه می دهیم."

یکی از خست زنان، که دیلم هم دارد، می گوید:

"دولت باید کوره ها را درست بگیرد، تا آفتوت هم سود کوره به جیب دولت برود و هم یک سهم متناسب با هزینه زندگی امروز نصیب کارگر شود و هم بیمه و بازنشستگی را بشود بسادگی تامین کرد."

یکی دیگر از کارگران می گوید:

"من از زمانی که آجر هر ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود تا حالا، در کوره ها کار کرده ام. تا بحال هیچ بررسی از وضع ما نشده. ما از رژیم سابق انتظاری نداشتیم. ولی از این دولت می خواهیم، از وزارت کار، از اداره بیمه می خواهیم که به وضع ما برسند. الان بین ما صاحب کوره راجع به بیمه دستمزد اختلاف است و نمی دانیم به چه کسی رجوع کنیم. آری باید دستگاهها و سازمانهای دولتی - اداره کار، اداره های اجتماعی و... را درجهت برآورده ساختن نیاز زحمتکشان دگرگون و بازسازی کرد. به قول امام خمینی:

"این ملت تاگی باید صبر کند؟"

بار اصلی انقلاب شکوهمند ما را زحمتکشان جامعه بدوش می کنند. امام خمینی رهبرانقلاب نیز بارها این موضوع را گفته اند:

"انقلاب مال کوخ نشینها بود نه کاخ نشینها... مملکت مال زانغ نشینها است."

در یک کلام، امام خمینی همیشه بر یک مسئله تکیه دارند و آن اینست:

"بدر مستضعفین برسید."

ولی متأسفانه بعد از گذشت ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب، این مهم آنطور که باید، برآورده نشده است. هنوز زحمتکشان در گوشه و کنار این مملکت آنچنان در وضع رقت باری زندگی می کنند، که به واقع باید گفت، زندگی آنها در شان انقلاب ما نیست.

از این جمله اند: کارگران خست زن کوره پزخانه ها، میان زحمتکشان رفته ایم که زیر آفتاب داغ خوزستان و گرد و خاک و رطوبت ناشی از کار، کمر خم کرده اند. به کوره که می رسم، در میان کودالی بزرگ گروهی از کارگران را در حین کار می بینم. با آنها به گفتگو می نشینم.

"کار ما سخت است"

کارگران کوره پزخانه همگی معتقدند که کارشان بسیار دشوار است. از جمله این کارگران، کارگران خست زن کوره پزخانه اند.

یکی از کارگران که مریض هم بود، می گوید:

"آقا بدترین کار عملگی است، خست زنی از آن هم سخت تر است."

یکی دیگر از آنها می گفت:

"ما با این وضع بدجو، حتی آب خوردن هم نداریم بخوریم. همین آب گل جوی آب را میخوریم آری، کار واقعا دشوار است. شرایط دشوار کار آن ها را به بیماریهایی از قبیل "کمر درد"، "زنا تیس" "سینه درد" مبتلا می کند. یکی از کارگران می گوید:

"خودتان که می بینید، با این وضع کمر درد هم می گیریم، بعضی ها ماتیس هم می گیرند."

هر قالب خست زنی، ۳ خست جا دارد. کارگران باید به از ۱۰۰۰ هر ۱۰۰۰ آجر، ۳ خست جا دارند. کارگران خوب نتیجه ملوم است. خستگی بیش از حد، و چون از استراحت و تعطیلی در کار خبری نیست، بدن فرسوده خواهد شد. آنها کارشان را "هزاری انجام میدهند، هر روزی را که تعطیل کنند، از مزد خبری نیست. بعضی از خست زنها روستا می آیند و چون محل استراحت و مسکنی ندارند، در خود کوره زندگی را می گذرانند."

یکی از آنها می گوید:

"شب و روز همیشه هستیم، دوماه، سه ماه یکبار به خانه مان سر می زیم."

در میان کارگران، کودکانی دیده می شوند که ۱۲-۱۴ سال سن دارند و آنها نیز میبایست شرایط دشوار کار را برای لقمه نانی تحمل کنند.

"دستمزد ما به هیچ جا نمی رسد"

خوب کاری با این منقبت باید لااقل درآمدی در خور یک زندگی معمولی را دانسته باشد. ولی چنین نیست. خود آنها در این زمینه می گویند:

"ما روزمزدی کار نمی کنیم، ماهیاری کار می کنیم هر ۱۰۰۰ آجر ۸۵۰ ریال - معمولاً در روز یک نفر در حدود ۱۰۰۰ آجر، ۱۲۰۰ آجر می زند"

درآمد آنها، همچنانکه خود می گویند، بجائی نمی رسد. آنها غالباً به شایسته از کوره دار پول قرض می کنند و بعد برایش خست می زنند و اینطور که یکی از کارگران می گفت:

"همیشه مقداری به کوره دار بدهکار هستیم."

کار خست زنی در بهبهان بعلت نداشتن امکانات در کوره، فقط در تابستان و بهار انجام می شود، و در فصلی که بارندگی هست، کار تعطیل است. آنهایی که روستائی هستند، کشاورز، روستا به روستا می روند ولی تعدادی از آنها مجبورند که در زمستان بی کار باشند.

کارگری که در حدود ۴۰ سال دارد و ۱۵ سال است که در کوره های مختلف کار می کند، می گوید:

### کارگران اخراجی نمایندگی ناسیونال

## فومن را به سر کار برگردانید

نمایندگی ناسیونال فومن در ابتدای جاده فومن - رشت واقع شده است. کل پرسنل این نمایندگی سیزده نفر است. در قسمت تعمیرگاه آن ساعت کار مفهومی ندارد. اگر چه در ابتدای در ورودی ساعات کار را از ۸ صبح الی ۱۲ و از ۲ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ذکر کرده اند، ولی کارگران، خیلی اوقات تا ساعت ۷ یا ۸ شب هم کار می کنند، و در این ساعات اضافی، هیچگونه اضافه دستمزدی به آنها تعلق نمی گیرد.

کارگران این کارگاه شدیداً استثمار می شوند. برای نمونه یک مکانیک درجه یک کمتر از سه هزار تومان دستمزد می گیرد.

یکی از مکانیک های این کارگاه بنام عطاروئین می گفت:

"من برای گذراندن یک دوره "پانزده روزه به تهران فرستادند، ولی تا این لحظه هنوز هزینه سفر و خرج زندگی مواد را آن پانزده روز پرداخت نکرده اند."

هفت تن از سیزده نفر کارگر شاغل در این کارگاه بیمه نیستند بصورت بیمانی کار می کنند. با توجه به اینکه این کارگران حداقل دوسال سابقه کار دارند، دستمزد بسیار کمی دریافت می کنند. حتی یکی از کارگران ماهیانه فقط دویست تومان دستمزد دریافت می کند. کارفرما به باطری ساز ماهانه هزار و پانصد تومان پرداخت می کند و این دستمزد خیلی کمتر از حداقل دستمزدی است که وزارت کار برای یک کارگر ساده تعیین کرده است. با توجه به اینکه این باطری ساز کلیه کارهای مربوط به برق ماشین را به تنهایی انجام میدهد.

محمد خودبین، که حدود شش سال سابقه کار دارد و از بدو تاسیس کارگاه مکانیکی ناسیونال در آنجا کار کرده است، می گوید:

"موقعی که میخواستیم در این کارگاه مشغول کار شویم، کارفرما از اولادین ما تعهد گرفت که حق

### اخبار کارگری

هیچگونه اعتراضی نسبت به بیمه شدن نداشته باشیم و هرگاه ما تقاضای بیمه شدن کردیم، خود بخود از کار اخراج می شویم."

محمد اضافه کرد که:

"در اواخر روزانه هشت و گاهی اوقات نه الی ده ساعت کار ماهانه، یا نصد تومان حقوق می گیریم. با این همه من و شش تن دیگر از دوستانم اجباراً به همین مقدار حقوق راضی بودیم و هیچگونه اعتراضی هم نسبت به بیمه شدن نداشتیم، تا اینکه روز پنجشنبه ۳۰/۵/۵۹، مسئول بیمه دفعتاً ما را هنگام کار غافل گیر کرد و اسامی ما را برای بیمه شدن ثبت کرد."

قابل توجه است که تا قبل از این واقعه، کارفرما کارگران را هنگام مراجعه مسئول بیمه مستراح کارگاه زندانی می کرد.

کارگران اخراجی در نامه شکوایه ای که برای فرماندار فومن نوشته اند، آورده اند که:

"غروب روز شنبه اول شهریور ما را کارفرما با بسن حسابان گفت که، از فردا حق ورود به کارگاه را ندارید. ما صبح یکشنبه که به کارگاه مراجعه کردیم، در راهرویی خود بسته دیدیم."

کارگران در پایان نامه می نویسند:

"در این برهه از زمان که مملکت برای مبارزه با دشمن غدار، شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا - درگیر مبارزه مرگ و زندگی است و برای نابودی شیطان بزرگ به با زوان ما و تولید احتیاج دارد، ما که هرگونه تخصص و اعتصاب را، که قند در دل امپریالیسم و عوامل ضد انقلاب داخلی آنها آب می کند، شدیداً محکوم می کنیم، با توجه به اینکه هر کدام از ما کمسک خرج خانواده خود هستیم، باید برای آز و طمع سیری نا پذیر کارفرما بیگار بمانیم؟"

از آن مقام محترم درخواست می شود که جهت دوباره برگرداندن ما به کار و تحصیل حقوق ما از کارفرما، اقدام مقتضی بعمل آورند."

## تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



# تا اختلافات موجود میان روستائیان پیر آباد و مشهد، بر سر مسئله آب، بجاهای باریک نکشیده است، تدبیر فوری بیاندیشید

## روستایی زمین را آباد میکند، ولی ثروت ورفاه از آن بزرگ مالک است

گذری به روستا



اسلام آباد غرب (دهکده چهارملاکه اکبر) این دهقانی که در شرایط سخت و با وسایل ابتدائی سالهای سال کار می کند تا زمین را بارور سازد، آیا نباید صاحب زمین و محصول باشد؟

روستاهای پیرآباد و مشهد ۲۰ روستای بزرگ از منطقه "تشان" هستند، که ترتیب دره ۳۵ و ۲۲ کیلومتری به پیرآباد فرار دارند. اختلاف اصلی در این دو روستا بر سر تقسیم آب مزروعی است. یک قسمت از آب زراعی این روستا (پیرآباد) از چشمه ای تامین میشود که در روستای مشهد قرار دارد. قسمت دیگر آب زراعی آنها از دره ای بنام دره تنگ بن تسامین میشود.

آب این دره همیشه نیست و اگر در یکسال میزان بارندگی کم باشد، احتمال اینکه در اواخر تابستان خشک شود، بسیار است. در گذشته، تقسیم آب بین دو روستای مزبور بدینصورت بود که، نصف آب مشهد مربوط به اراضی مشهد بود و نصف دیگر آن به مصرف اراضی پیرآباد میرسید. از آب دره تنگ بن نیز به اختصاص به اراضی مشهد دانست و آب آن سهمیه پیرآباد بود.

پس از انقلاب، تا برداشت محصول بهاره سال ۵۹، تقسیم آب بین دو روستا به همین صورت باقی بود، ولی از موقع کاشتن برنج در مورد تقسیم آب بین اهالی این دو روستا اختلافاتی بروز کرد.

اهالی مشهد ادعا دارند که چون سرچشمه بخشی از این آب در مشهد قرار دارد، تمامی آب این آب بایستی به اراضی مشهد اختصاص یابد و اگر تا بحال آب این آب را پیرآبادی ها می بردند، بی عدالتی بوده است.

اهالی پیرآباد ادعای آنها را قبول ندارند و میگویند، چنانکه ما از این آب محروم شویم، تمام کشاورزی و زندگی ما مختل و درمانده خواهد شد. با اوج گیری اختلاف، اهالی روستای مشهد پیشنهاد کردند که آب چشمه مشهد نیز به همان صورتی تقسیم شود که آب دره تنگ بن، یعنی به نسبت ۵۰٪

شانی می گوید: "سه هکتار زمین دارم و هفت ساعته مالک سابق ده ۶ هکتار زمین را به زور به زارع دیگری داده است. بیست سال تمام در یک باغ کارگری کردم و سالیانه ۵۰۰ تومان به من می دادند. من این باغ را آباد کردم. به دستم نگاه کنید سه سال پیش مالک باغ را فروخت و برای من جز آه سرد چیزی نماند. البته شکایت کردم ولی بی نتیجه بود."

مشهدی قاسم نیز وضع خود را، که وضع روستائیان بی زمین است، چنین بیان می کند: "سالی ۱۳ هزار تومان اجاره زمینی را که خودم روی آن کار می کنم، به مالک زمین میدهم. من زحمتش را می کشم و دیگری حاصلش را می برد. خوش نشینان شیان می گویند:

"در شهرها آرزاق نمی دهند و ما را به شرکت تعاونی حواله میدهند. شرکت تعاونی هم تنها به آنها بی آرزاق میدهد که عضو باشند. ما احتیاجاتمان را کجا برطرف کنیم؟"

روستایی زحمتکش بدرستی و بحق می گوید که اوست که بر روی زمین رنج می برد، ولی بهره اش از آن دیگر نیست. اوست که آباد می کند، ولی ثروت و رفاه از آن بزرگ مالک است.

مقامات مسئول باید به سرعت هیئت هفت نفری مسئول اجرای قانون اصلاحات ارضی مسبب شورای انقلاب و آئین نامه اجرائی آنرا مورکنند تا بسود زحمتکش روستا قانون را اجرا کنند. باید حاصل رنج و زحمت روستائیان ستمدیده نصیب خود آنان گردد. این حکم انقلاب است.

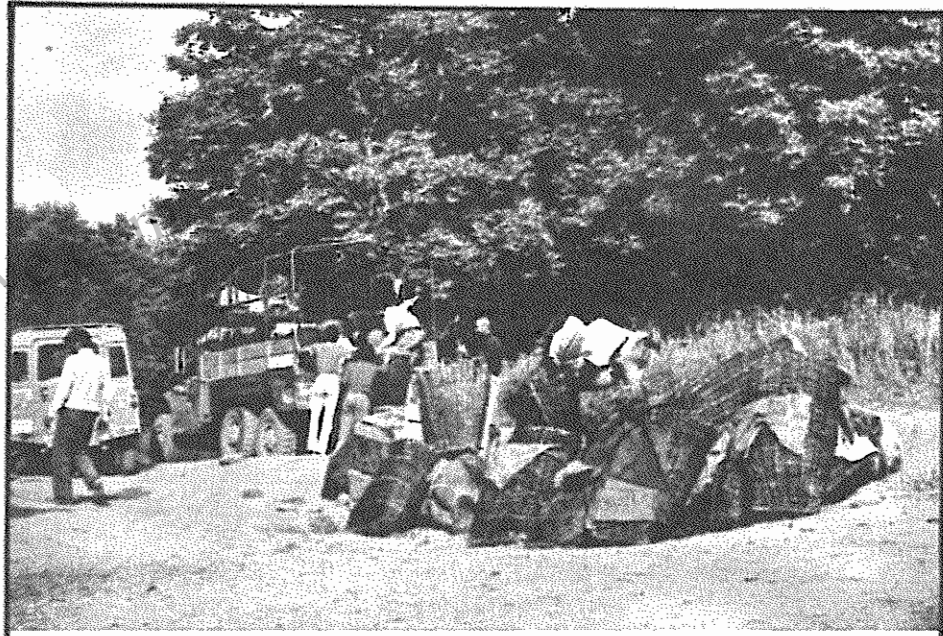
به روستای شیان، مرکز دهستان شیان، در ۱۲ کیلومتری شهرستان اسلام آباد غرب در کرمانشاه میرویم. روستایی که در تب نیازهایش می سوزد و در انتظار بهروزی است.

این روستا ۳۰۰ خانوار را در بر می گیرد. ۵۰ نفر از اهالی روستای شیان بی زمین هستند و معمولاً به نصف کاری یا کارگری برای دیگران مشغول هستند. دهقانان از مشکلات خود می گویند:

"در زمان طاغوت از وضع بدیده شکایت کردیم، ولی بی نتیجه بود. امسال هم، بهنگام اعلام قانون اصلاحات ارضی فصول شورای انقلاب، شکایت کردیم، ولی تا بحال نتیجه نگرفتیم. به ما وام کشاورزی نمی دهند و شرکت تعاونی هم به ما جنس نمی دهد."

حسن حیدری یکی از دهقانان بی زمین این روستا می گوید:

"بزرگترین زمین داشت، ولی مالکین آنرا به زور غصب کردند و این مالکین الان در کرمانشاه زندگی می کنند و سرمایه دار هستند. حالا من از دولت تقاضا دارم یا اراضی را مطابق طرح استاندارد اصلاحات ارضی تقسیم کنند و یا اگر زمین به اندازه کافی نیست در این محل کارخانه یا شرکت یادمانی ایجاد کنند، که مادران کارکنیم. ما اهل کار و زحمت هستیم و میخواهیم لقمه نان حلال برای زن و بچه هایمان بدست بیاوریم. ما حقیقتاً نمی توانیم مواد غذایی به این گرانی بخریم. آخر ما که چیزی نداریم. دولت باید این گرانیها را از بین ببرد تا لباس و پارچه و کفش ارزان شود. سید طاووس، دهقان زحمتکش دیگر



اینجا سر راه علی آباد هوراند (اهر) و مرکز جمع آوری سبهای گیلاس، توت و سایر محصولات باغداران است. این محصولات تا ساعت ۳ بامداد در این محل جمع می شود و از آنجا به شهر منتقل میگردد. برای ارسال میوهها به شهر، هیچگونه تضمینی وجود ندارد. هرنوع اخلاف در حمل و نقل می تواند منجر به ترشیدن میوه و خرابی آنها بشود و زحمت دهقانان بیهوده رود.

## سازمان حزب توده ایران - هشتمین: صف انقلابی و ضد انقلابی را با ملاک های ضد امپریالیستی و خلقی بودن از هم تفکیک کنید

همزمان با ورود و استقرار افراد سپاه پاسداران انقلاب در هشتمین، سازمان جوانان توده ایران - هشتمین، با انتشار اعلامیه ای، آمادگی خود را برای دادن هرگونه کمک به این پاسداران اعلام کرد. در این اعلامیه از جمله می خوانیم:

"ورود سلحشورانه شمارزندگان برون جوشیده از دل انقلاب، امیدهای رازدوسوی در منطقه برانگیخته است. از یکسو جنبه جهنمی ضدانقلاب (فئودالها، حیره خواران بازمانده از رژیم منفسور پیشین) امید آن دارند که برای نیل به امیال پلید خود، برامواج سهمگین خشم توده های مستضعف سوار شوند، و در این رهگدومی خواهند با تکیه بر شما پاسداران جان برکف، هر حرکتی را که مانع تحقق نقشه های خائنانه آنان گردد، در نقطه مدقون سازند. از سوی دیگر، زحمتکشانی که شده زیر بار سنگین هزینم های زندگی، دهقانان بی چیز و فقرزده جای دارند که عمیقاً خواستار محو هرگونه سلطه امپریالیستی، برجیدن بقایای نظام فئودالی، مبارزه بی امان با محتکران و گرانفروشان و سرکوب قاطعانه عوام مسل ضدانقلاب اند."

در این مبارزه مرگ و زندگی، ایادی آمریکای جنایتکار، عناصر فئودال و لیبرال و نیمه راهان و تنگ نظران برآند تا با پیش کشیدن مسائل فرعی از قبیل برجیدن دکها، منع فروش نشریات انقلابی و قانونی که رسالت افشاء و مبارزه با این خود فروختگان را دارند. جهت اصلی مبارزه را، که همانا مبارزه با "شیطان بزرگ" - آمریکای جنایتکار و ایادی داخلی آنست، منحرف سازند، تا خود فرصت لازم را برای ضربه زدن بر پیکر جمهوری جوان اسلامی ایران و به زانودرا آوردن آن بدست آورند."

در دنباله اطلاعیه، ضمن دادن هشدار در مورد توطئه های عوامل آشکار و ماسک به چهره زده ضد انقلاب، از پاسداران مذکور خواسته شده است تا صف انقلابی و ضد انقلابی را با ملاک ضد امپریالیستی و خلقی بودن از هم تفکیک کنند.

## برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تمام مبارزین صدیق انقلابی می دانند: توده ایها پاسداران صدیق دستاوردهای انقلاب اند

هر روز که می گذرد، به موازات روشن شدن صحت ارزیابی های مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، صداقت و عزم راسخی که مبارزین توده ای در مبارزه علیه توطئه ها و تحریکات امپریالیسم جهانی، به سر کردگی آمریکای جنایتکار، از خود نشان می دهند، برای سایر مبارزان انقلابی ملموس تر می شود. و این واقعیت در برخورد ها و صحبت ها کاملاً روشن میشود. واقعه زیر نمونه کوچک، ولی گویایی بر صحت این مدعاست:

اخیراً در قزوین، هنگامی که رفقای توده ای مشغول نصب پوسته های حزب توده ایران بودند، تن از اهالی، که یکی از آنها از نمازداران بزرگ شهر است، با توهین به رفقا، پوسته های آنان را پاره می کند و با خیر کردن سپاه پاسداران انقلاب به خیال خود "توطئه گران" را به دست قانون می سپرد.

لیکن در محل کمیته انقلاب، رفقای ما با برخورد صحیح و انقلابی پاسداران انقلاب مواجه می شوند. در آنجا یک روحانی به اتفاق یک پاسدار، از رفقای ما به خاطر آوردنشان به کمیته عذر خواهی می کنند و پوسته ها را به آنها مسترد می دارند.

آری، تنها فرضان هستند که نمی خواهند قبول کنند که "توده ایها در همه جا و با تمام نیرو از دست آورد های انقلاب و از نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع و پشتیبانی می کنند."

به خواست اهالی روستای علی آباد رسیدگی کنید

رسیدگی فوری بشود، خواستهای اهالی علی آباد عبارت است از:

- ۱- دادن وام به کشاورزان جهت توسعه کشت
- ۲- ایجاد شرکت تعاونی در روستا برای تهیه وسایل مورد احتیاج زندگی روستائیان و همچنین تهیه وسایل کشاورزی ارزان قیمت برای کشاورزان
- ۳- ایجاد مدرسه راهنمایی در روستا تا دانش آموزان برای ادامه تحصیل مجبور نباشند به ششتر و نقاط دیگر بروند
- ۴- لوله کشی آب آشامیدنی در روستا

رسیدگی به خواست های بحق این دهقانان وظیفه دولت انقلاب است. با تاملین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و برنامه ریزی دقیق برای باز سازی روستاها، از مشکلات دهقانان زحمتکش بکاهید.

روستای "علی آباد" با ۶۰ خانوار در ۷ کیلومتری بخش ششتر قرار دارد. محصولات زراعی این روستا گندم، یونجه و بادام است، که مازاد بر مصرف آن در نقاط دیگر و بویژه در ششتر به فروش می رسد. از ۶۰ خانوار این روستا ۴۵ خانوار آب مزروعی مانند دیگر روستاهای منطقه مشکل اساسی اهالی "علی آباد" است. هم اکنون جهاد سازندگی با کمک اهالی روستا مشغول حفر چاه عمیق برای آبیاری مزارع است. روستائیان علی آباد در انقلاب نقش فعالی داشتند و حتی اغلب جهت شرکت در تظاهرات علیه رژیم مخلوع به شهر تبریز می رفتند. آنها از دولت انقلابی می خواهند که به وضع نابسامان روستائیان، که تاکنون حداقل ۱۵۰ نفر بعلت این نابسامانیها مجبور به مهاجرت از روستا شدند،

## گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد





### مردم جهان از مبارزه خلق شیلی دفاع می کنند

حزب کمونیست شیلی در بیانیه‌ای، بمناسبة هفته همبستگی جهانی با خلق مبارز شیلی، اعلام کرد که مردم شیلی دیگر حاضر نیستند زیر یوغ دار و دسته فاشیستی شیلی زندگی کنند.

حزب کمونیست شیلی در بیانیه خود اضافه کرد که مقاومت مردم شیلی در برابر دوازدست سرسپرده و جنایتکار این کشور روز بروز افزایش می یابد مردم جهان نیز هر چه بیشتر از مبارزه خلق شیلی حمایت می کنند.

از سوی دیگر، هفته همبستگی با خلق شیلی یا شکوه تمام در کشورهای سوسیالیستی برگزار میشود. احزاب کمونیست و کارگری و همچنین همه نیروهای ترقی خواه و آزادی دوست نیز در سرتاسر جهان، در هفته همبستگی شرکت کرده اند.

هفته همبستگی با خلق شیلی، به ابتکار شورای جهانی صلح برگزار می شود.

### رژیم السالوادور افراد بیگانه را قتل عام می کند

بنابه گزارش کمیسیون حقوق بشر السالوادور، نیروهای رژیم سرسپرده این کشور پانصد نفر را در ناحیه‌ای در چهل کیلومتری سان سالوادور قتل عام کرده اند. اعضای این کمیسیون از محل قتل عام دیدن کرده اند.

سرپازان مزدور السالوادور، برهبری مستقیم مستشاران آمریکائی، تاکنون چندبار دست به قتل عام افراد بیگناه زده اند. قتل عام اخیر، قسمتی از طرح رژیم السالوادور و سازمان سیا برای سرکوب مردم مبارز السالوادور و رابعب نیروهای مبارز است. اما گسترش دامنه عملیات نشان می دهد که جنایات امپریالیسم آمریکا در السالوادور هرگز نخواهد توانست مردم این کشور را از مبارزه در راه آزادی و دموکراسی بازدارد.

### کارتز، اگر دوباره انتخاب شوم، از اسرائیل قاطعانه حمایت می کنم

جیمی کارتر در ملاقات با گروهی از رهبران صهیونیست های آمریکایی اعلام کرد که اگر بار دیگر به مقام ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود، حمایت قاطع از اسرائیل را ادامه خواهد داد، و این حمایت بدون تغییر خواهد بود.

کارتر مخالفت خود را با ایجاد کشور فلسطینی اعلام کرد و گفت که هرگز با سازمان آزادی بخش فلسطین مذاکره نخواهد کرد.

سخنان کارتر بار دیگر به روشنی نشان میدهد که صهیونیست های تل آویو تنها با حمایت امپریالیسم آمریکا است که می توانند به جنایات خود علیه خلق قهرمان فلسطین ادامه دهند.

### دبیر کل حزب کمونیست شوریه، توطئه های آمریکا علیه ایران و افغانستان را محکوم کرد

بازداشت بدون دلیل محمد فرهاد، دبیر کل حزب کمونیست یتگلادش، موجب از اعتراض برانگیخته است. خالد بکتاش، رهبر حزب کمونیست شوریه اعلام کرد:

«محمد فرهاد، مبارز برجسته در راه آزادی و دموکراسی برای یتگلادش باید هر چه زودتر آزاد شود».

رهبر حزب کمونیست شوریه بازداشت بدون دلیل محمد فرهاد را اقدامی از طرف ارتجاعیون و عوامل امپریالیسم قلمداد کرد.

خالد بکتاش ضمن اشاره به توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب های ایران و افغانستان و علیه نیروهای ترقی خواه، این توطئه ها را قویا محکوم کرد و گفت:

«امپریالیسم می خواهد احزاب کمونیست را از توده ها جدا کند. حزب کمونیست یتگلادش حزب راستین کارگران و دهقانان یتگلادش است و کمونیست های شوریه همراه با سایر نیروهای ترقی خواه کشور قاطعاً دارند محمد فرهاد را آزاد شود».

### اشاره گری یک روزنامه آمریکائی درباره مداخله آمریکا در امور داخلی هندوستان

روزنامه آمریکائی «التیورسان» گوشه ای از مداخلات مستقیم غیر مستقیم آمریکا در امور داخلی هند را نشان کرد. بالتیورسان در مقاله خود می افزاید:

«اخیراً در ایالت جامو و کشمیر هند «نهضت برای استقلال» بوجود آمده، که عده ای محدود چندصد تن - «کماندو» عضو آن هستند. این «نهضت» که به هیچ وجه از حمایت مردم ناحیه برخوردار نیست، به فعالیت گسترده دست زده و در پایگاه های مخفی «کماندو» تربیت میکند. بالتیورسان در مقاله خود می افزاید:

«این «نهضت» از رژیم های غرب، مانند عربستان سعودی پول دریافت می کند و با اقتدار فراوان اعلام میکند که با «دولت ضیاع الحقیق» ارتباط دارد».

بنا به نوشته این روزنامه، رهبران تجزیه طلب تلاش دارند نیروی کماندوئی دوهزار نفری یا بیشتر بوجود آورند و از این نیرو برای کسب قدرت از راه زور در جامو و کشمیر استفاده کنند و «استقلال» آنرا اعلام نمایند.

«التیورسان» اعتراف می کند که تجزیه طلبان تلاش دارند کمک های هر چه بیشتری، بویژه اسلحه از آمریکا بدست آورند.

«التیورسان» تلویحاً آرزوهای مخفیانه واشنگتن را در مورد هند افشاء می کند و می نویسد:

«غرب به جامو و کشمیر علاقه فراوان دارد، چون این ایالت از موقع استراتژیک بسیار مساعد برخوردار است و در مرز هند و پاکستان و چین قرار دارد و به افغانستان و اتحاد شوروی «بسیار نزدیک است».

«از این گذشته، از دست رفتن جامو و کشمیر می تواند به مشکلات مذهبی بیشتری در هند منجر شود».

### محله بی نامی در انتهای خزانه فرح آباد سابق:

# زندگی همراه بارنج و فقر و درد ثمره سالها تسلط امپریالیسم مردم محله می گویند: مافقت امیدمان به انقلاب است

در انتهای خزانه فرح آباد سابق، بیابان وسیعی است که دکل های برق آنرا پوشانیده است. اینجا و آنجا تعدادی خانه توسری خورده و ر کاهکلی و یا چادرهای زنده، همچون وصله ناجوری بر زمین خود نمائی می کنند.

به سراغ یکی از این مجتمع های فقر می رویم. این محلّه فقط از روی تابلوی «صافکاری برادران»، که در نزدیکی آن است، شناخته میشود. محلّه ای با ۱۵ خانوار و جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر.

محلّه از دور به گورستان نفرت انگیزی از زیاله ها می ماند، که انسانها در لایه آنها می لولند. اما وقتی نزدیک می شوی، پیت های زنگ زده و بشکه های سیاهی را می بینی، که رویهم قرار دارند و از

اینها همه یکطرف، دستورشهرداری بما در مورد تخلیه اینجا یکطرف آخر ترا پیدا ما کجا دارم برویم؟»

حسرا او می گوید:

«آقا ترا پیدا بنویسد که به ما بیچاره ها نظر لطفی داشته باشند و کاری کنند که حداقل شبها گرمه نخواییم. یک رشته لوله آب برایمان بکشند تا مجبور نباشیم ۱۰۰ متر برای تپه آب از اینجا دور شویم».

دختر جوانی می گفت:

«ببخدا ما آفتدر برای آوردن آب رفته ایم که خجالت می کشیم».

عزت الله اسدی نیز، که راننده است، می گوید:

«مدتها در بیابان های سیدخندان، حشمیه، کواکولا، تهرانپارس و... سرگردان بوده ام و ۴ سال است که به اینجا آمده ام و ماندگار شده ام».

آن هر ۱۵-۱۰ روز یکبار سیرابی می خریم».

رفیقه حداد می گوید:

«ماکه از دولت چیز زیادی نمی خواهیم. آبارتومان چند طبقه که نمی خواهیم. فقط می خواهیم در همین جا خانه کوچکی از آجر برای ما درست کند، تاز سرما و گرما درامان باشیم و یک مستمیری برای من و نوام بگذارند، که من مجبور باشم در سن ۶۰ سالگی برای نروندندان رختشویی کنم».

سلیحه حداد راجع به شوهرش، که با دکتک فروش است و روزی ۴۰-۳۰ تومن درآمد دارد، می گوید:

«بنویسد که این خرج یک نفر هم نیست، چه رسد به اینکه ۶ نفر باید با آن زندگی کنند».

در خانه عاطفه حداد، یکی دیگر از



بیشتر به گورستان متروک می ماند، تا محل زندگی یک ایرانی زحمتکش

زنان محلّه، حتی چراغ خوراکیزی پیدا نمی شود و او مجبور است ساعتها در زیاله ها دنبال چوب و مقوا بگردد. تا بتواند برای بچه ها غذا بپزد. او می گوید:

«آخر با این یکباری و گرانی، پولی برای خرید چراغ باقی نمی ماند. شوهرم یک روز سرکار می رود و ۱۰ روز یکبار است. مافقت امیدمان به امام است».

بای صحبت هر کدام که می نشینی، خوراها درد دل دارند، ولی خواستها و نیازها همه شبیه هم است و توقعات هم اندک. اکثراً می گفتند که: «حاضریم به شهر خودمان برویم، ولی نه زمین داریم و نه پول. اگر دولت به ما زمین و امکانات بدهد، یک لحظه هم اینجا نمی مانیم».

ر امام خمینی گفتند: «این مملکت مال کوخ نشینهاست نه کاخ نشینها...» پس بداد کوخ نشینها برسیم.

ما که قبل از انقلاب آواره بودیم، امیدمان این بود که بعد از انقلاب فکری به حال ما بکنند، ولی مثل اینکه مسئولان ما را آدم به حساب نمی آورند».

از او می پرسیم: چه خواستی داری؟ می گوید:

«پیرس که چه خواستی نداری، مگر ما چه داریم؟ ما هیچی نداریم، نه آب، نه برق، نه بهداشت، نه دکتر و...»

فاطمه حداد، که پارختشوئی و کلفتی در خانه های بالای شهر یک خانواده چهار نفری را اداره می کند، می گوید:

«دولت انقلاب باید فکر مستضعفین باشد. تنها چیزی که ارزان بود (انهم نه خیلی) گوشت بود، که ما حد اکثر هفته ای یکبار می خوردیم، ولی حالا گوشت قیمتش سه برابر شده و ما دیگر گوشت نمی خوریم و بجای



... و این محلّه فقر است ورنج

### درجهان سرمایه داری

### بیداد بیکاری در کشورهای سرمایه داری

« شما ره رسمی کارگران بیکار در "سازمان توسعه و همکاری اقتصادی"، که بیست و چهار کشور صنعتی جهان سرمایه داری را در بر میگیرد، به ۱۷/۵ میلیون رسیده است. هفت میلیون از بیکاران را جوانان کمتر از ۲۵ سال تشکیل میدهند».

« در شش کشور بیست و سه سرمایه داری شما ره بیکاران در سال گذشته بشرح زیر بود:

ایالات متحده آمریکا: ۵/۹ میلیون (طبق آمار محافل سندیکا یی: حدا قسلاً ۷ میلیون)، بریتانیا: ۱/۷ میلیون، فرانسه: ۱/۴ میلیون، ایالت لیبیا: ۱/۶ میلیون، جمهوری فدرال آلمان: ۱/۲ میلیون، ژاپن: ۱/۲ میلیون

« در آسیا تنها در همدصد زحمتکشان بیکارند بیش از نیمی از آنها هیچگونه کمک هزینه بیکاری دریافت نمی کنند».

« از ۲۳۰۰۰۰۰ بیکار بریتانیا (طبق آمار محافل سندیکا یی: نیم میلیون) فقط بیست درصد کمک هزینه دریافت می کنند».

« صنعت اتومبیل سازی یکی از مهم ترین شاخه های اقتصادی آمریکا است، که بسیاری دیگر از صنایع این کشور به آن وابسته است. کاهش تولید صنعت اتومبیل سازی سبب بیکاری ۲۰۰۰۰۰۰ کارگر (یعنی یک چهارم زحمتکشان این صنعت) اتومبیل ساز شده است».

« بموجب آمار "سازمان بین المللی کار"، در کشورهای رسد یا بنده سرمایه داری نیز بیکاری وسعت بسیار یافته است: در آسیا ۲۳۰ میلیون و در آمریکا ۱۰۰ میلیون. این ارقام ۸۰ درصد بیکاران جهان غیر سوسیالیستی را تشکیل میدهد».

### درجهان سوسیالیسم

### در پانزده سال گذشته، قیمت ۹۹ درصد کالا های غذایی در اتحاد شوروی ثابت باقی مانده است

در پانزده سال گذشته قیمت ۹۹ درصد کالا های غذایی و در حدود ۹۲ درصد فرآورده های غیر غذایی در اتحاد شوروی ثابت مانده است. به موجب اطلاع "اداره مرکزی آمار" اتحاد شوروی، سال گذشته نواحی قیمت های جزیی فروشی ۹۹/۷ درصد سطح سال ۱۳۴۹ بود.

برای تثبیت قیمت های جزیی فروشی، دولت کمک هزینه های هنگفتی را متقبل می شود. برای نمونه، کمک هزینه بابت هر کیلوگرم کره ۱/۶۹ روبل (قیمت جزیی فروشی ۳/۶۰ روبل) و بابت هر کیلوگرم گوشت ۱/۷۹ روبل (قیمت جزیی فروشی ۲۰ روبل) است. اینک دولت شوروی سالانه ۱۹ میلیارد روبل بعنوان کمک هزینه گوشت ولینیات می بردارد.

کمک هزینه دولت بابت لوازم کودکان متجاوز از یک میلیارد روبل است.

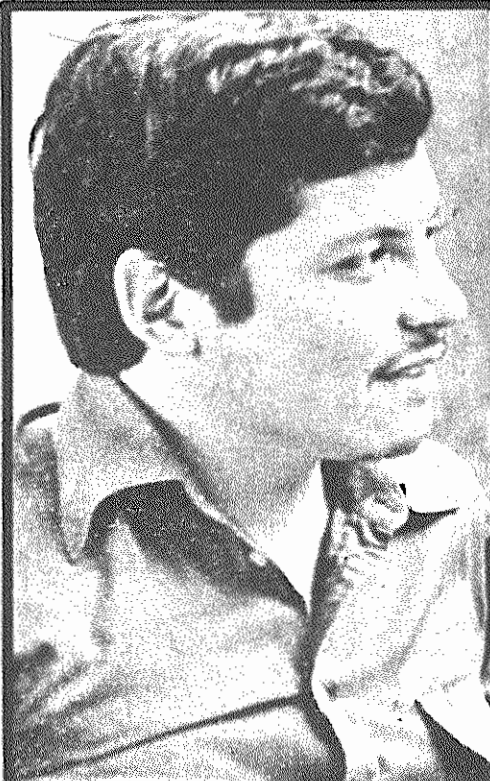
کمک هزینه خانه سازی نیز چشم گیر است. دولت هر ساله بیش از ۵/۲ میلیارد روبل صرف نگهداشت خانه ها می کند. مستاجران فقط یک چهارم این مبلغ را خود می بردارند.

ثابت بودن عمومی کالاها به آن معنا نیست که قیمت برخی فرآورده ها افزایش نیابد. برای نمونه، سال گذشته قیمت قهوه ها، پوست خر، قالی، میل و برخی دیگر از کالاها، که تقاضای آنها محدود است، بالاتر رفت. از سوی دیگر، هر چند گاه قیمت کالا هایی، که مصرف وسیع دارند، کاهش می یابد. برای نمونه، در سال های پیش کالا هایی مانند ماشین رختشویی، موتور سیکلت، بحال، تلویزیون و رادیو، ضبط صوت، بودرلباس سویی، بارجه سنتیک، یونک کودکان و برخی داروها، ۳۰-۲۵ درصد ارزان تر شده است.



بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در مصاحبه با خبرنگار «نامه مردم»: امپریالیسم آمریکا میخواهد تجربه شیلی را در ایران تکرار کند



رفیق پتریگونگوریا، عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

تیراژ ۵ هزار نسخه منتشر میشد، ماهی دوبار در تیراژ ۳۵ هزار نسخه منتشر و در میان توده‌ها بطور کامل مضمی توزیع کنند.

دفاع از انقلاب ایران

برسش: حزب کمونیست شیلی انقلاب ایران را چگونه ارزیابی می‌کند؟

پاسخ: «انقلاب ایران یک انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی بود که به رهبری روحانی انقلابی، آیت‌الله خمینی، توانست رژیم شاه را سرنگون کند و در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان به امپریالیسم آمریکا ضربه مهلکی بزند. حزب کمونیست شیلی از این انقلاب بزرگ پشتیبانی و از شخصیت آیت‌الله خمینی ستایش می‌کند.

همانطور که گفتیم، وحدت توده‌ها در ایران برای سرنگونی شاه، برای ما یک نمونه و یک تجربه بسیار بزرگ است. ما همچنین برای حزب قهرمان توده‌ای ایران، که پیشانی مردم ایران علیه رژیم شاه و امپریالیسم جنگیده است، احترام فوق‌العاده‌ای قائلیم. شخصیتی چون خسرو روزبه، در میان رزمندگان کمونیست شیلی، نمونه یک کمونیست بزرگ و یک انسان طراز نوین است. باید اضافه کنیم که، اخباری که از ایران به ما میرسد، حکایت از این دارد که، امپریالیسم آمریکا قصد دارد با یک سیاست فرسایشی، تجربه خویش شیلی را در ایران تکرار کند. بگذارید به صراحت بگویم که، آنچه در شیلی سبب سرنگونی آینده شد، سرکوب نکردن ضدانقلاب ایجاد تفرقه و بی‌تفاوتی بین توده‌های مردم به شیوه‌های گوناگون، و از جمله با استفاده از فعالیت‌های چپ افراطی بود. ما امیدواریم که با وحدت مردم ایران، تجربه شیلی در کشور شما تکرار نشود.»

تمام نیرو در صدد تضعیف پایه‌های مردمی حکومت آلینده بود، از سویی تعطیل کارخانه‌ها و واداشتن کارگران به اعتصاب بود. از سوی دیگر، گروه «میر» با طرح نظریات افراطی، خرده‌بورژوازی شهر و ده را از آلینده جدا کرد. این گروه با اشغال کارگاه‌های کوچک در شهر و زمین دهقانان میان‌حال در روستاها، بنام «کمونیست‌ها»، اعلام می‌کرد که باید این کارگاه‌ها و زمین‌ها ملی شود. عمال آمریکا هم بر اساس همین اعمال، بسر توهمات خرده‌بورژوازی دام‌نیزدند و آنها را از آلینده «کمونیست» می‌ترساندند و جدا می‌کردند. برای مثال در تظاهرات معروف کامیونداران، که ضربه نهائی را به آلینده زد، ارتجاع راست تنها بعد از طرح مسمی کردن کامیون‌ها از طرف «میر» توانست این اعتصاب را سازمان بدهد.»

برسش: فعالیت حزب کمونیست شیلی چگونه است؟

پاسخ: اساسی‌ترین فعالیت حزب کمونیست شیلی در حال حاضر گسترش هر چه بیشتر «جبهه وحدت ملی شیلی» است. ما معتقدیم که دوام و گسترش این جبهه هر چه زودتر سبب سرنگونی پینوشه و حکومت وابسته او میشود. می‌دانید که کمونیست‌های شیلی اولین کسانی بودند که، بعد از کودتای آمریکا علیه آلینده، تحت تعقیب قرار گرفتند. صدها نفر از آنها اسیر شدند، که یا در شکنجه‌گاه‌ها به قتل رسیدند یا در حال حاضر در سیاهچال‌های شیلی زندانی هستند.

حزب کمونیست شیلی از انقلاب ایران پشتیبانی و از شخصیت آیت‌الله خمینی ستایش میکند.  
«جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی تشکیل شده، رفراندوم قلابی پینوشه را تحریم کرد.  
گروه «میر» با سیاست چپ افراطی در سقوط آلینده نقش مهمی داشت و اکنون هم با جبهه وحدت ملی همکاری نمی‌کند.

در حال حاضر بیشتر از ۴ هزار زندانی در زندان‌های شیلی اسیر هستند، که اکثر آنها را کمونیست‌ها تشکیل میدهند. البته از گروه‌های دیگر هم، مانند سوسیالیست‌ها و گروه «مپا»، تعداد زیادی در زندان هستند. بعد از کودتای شیلی ۴۵۰۰۰ نفر محقود شدند، که در میان آنها تعداد زیادی کمونیست وجود دارد. رفیق «ویکتور دیاز»، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی از جمله این محقودشدگان است. با وجود همه این ضربات، حزب کمونیست شیلی، که در میان کارگران و زحمتکشان ریشه‌های استوار دارد، بار دیگر تجدید سازمان یافته و فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. حزب اخیرا موفق شده‌است که روزنامه ال‌سیگلو (قرن) ارگان مرکزی حزب را، که قبلا ماهی یکبار با

استفاده از تجربه ایران برسش: بنظر میرسد که در جبهه وحدت ملی شیلی، همه سازمانها و گروه‌ها و احزاب، از حزب کمونیست تا نمایندگان خرده بورژوازی شهر و ده و گروه‌های مذهبی با هم همکاری دارند؟

پاسخ: «کاملا درست است. تجربه تاریخ معاصر نشان داده است که تنها با وحدت همه نیروهای خلق - درست مانند ایران شما - میتوان دشمن را از پای درآورد. در این وحدت، ملاک حزب کمونیست شیلی ملاک سیاسی است، یعنی ما بر اساس یک برنامه مشخص سیاسی، با همه گروه‌های مبارز، با وجود هر نوع عقیده سیاسی و مذهبی، متحد میشویم.»

برسش: برنامه حزب کمونیست شیلی، بعد از سرنگونی پینوشه چیست؟  
پاسخ: «برنامه بعدی ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم آمریکا از خاک میهن ماست، که همچنان به غارت منابع مالی ما و کشتار مبارزان و مردم بیگناه ادامه میدهد.»

برسش: چه نیروهایی در «جبهه وحدت ملی شیلی» شرکت نکرده‌اند؟

پاسخ «تنها گروه «میر» در این جبهه شرکت نکرده است. این گروه، که ترکیب درهمی از مائو-لیست‌ها و تروتسکیست‌هاست، همچنان به فعالیت‌های افراطی خود ادامه میدهد و حاضر نشده است در جبهه شرکت کند. البته گروه «میر» هم رفراندوم را جداگانه

«جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی از نیروهای مخالف رژیم چنایکتور پینوشه تشکیل شده است، همه پرسى قلابی دیکتاتور شیلی را تحریم کرد، و طی اعلامیه‌های متعدد، از مردم شیلی خواست تا با تحریم این رفراندوم قلابی، که روز ۳۰ شهریور برگزار میشود و هدف از آن قانونیت بخشیدن به حکومت فاشیستی دارودسته نظامی پینوشه است، به قتل مردم شیلی جواب دندان‌شکن بدهند.

رفیق پتریگونگوریا، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، که برای شرکت در جشن روزنامه «صدای خلق»، ارگان حزب کمونیست اتریش، به وین، پایتخت اتریش، آمده بود، در دنبال سخنان بالا، به خبرنگار «نامه مردم» گفت:

«بدنای کودتای آمریکائی پینوشه، حزب کمونیست شیلی فعالیت گسترده‌ای را برای ایجاد وحدت بین همه نیروهای مخالف دیکتاتوری پینوشه آغاز کرد. در راه ایجاد این وحدت، یکپارچگی مردم ایران، که سبب سرنگونی رژیم شاه شد، عملا به مردم ما نشان داد که تنها راه پیروزی بر دیکتاتوری، اتحاد همه نیروهای خلق است. خوشبختانه فعالیت‌های حزب کمونیست شیلی، با اینکه صدها تن از اعضای آن در زندان‌های پینوشه هستند و در شرایط کاملا فاشیستی، مخفیانه فعالیت می‌کنند، بشمار رسید و «جبهه وحدت ملی شیلی» بسا شرکت سازمان‌های سیاسی زیر وجود آمد:

۱- حزب سوسیالیست (معتقد به سوسیالیسم علمی)، ۲- حزب رادیکال، که یک حزب نماینده خرده-بورژوازی شهری است،

۳- گروه «مپا» اول، این گروه در سال ۱۹۶۸ از حزب سوسیال مسیحی شیلی انضاب کرد. این یک گروه دهقانی است، که برای تقسیم زمین بین دهقانان شیلی مبارزه می‌کند و در خرده‌بورژوازی ده پایگاه دارد،

۴- گروه «مپا» دوم، که آنهم یک گروه دهقانی است و بر پروتاریای ده تکیه دارد. پیش این دو گروه مذهبی است،

۵- نیروهای چپ دموکرات مسیحی، ۶- حزب کمونیست شیلی.

برسش: برنامه «جبهه وحدت ملی شیلی» چیست؟  
پاسخ: «جبهه» می‌گوشد تا با استفاده از تجارب انقلاب ایران، همه مردم را علیه پینوشه متحد کند. «جبهه وحدت ملی شیلی» جبهه‌ای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری است. هدف جبهه سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم آمریکاست، درست همان چیزی که هدف مرحله اول انقلاب ایران بود. اما در لحظه حاضر که دیکتاتور پینوشه تدارک

رفراندوم قلابی را می‌بیند، برنامه جبهه فضای این توطئه و متحد کردن توده‌ها گرد شعار رفراندوم است. در این تحریم، حزب دموکرات مسیحی، که نماینده بورژوازی متوسط شیلی است و قبل از آلینده، یعنی در سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ حکومت را در دست داشت و برای کسب آزادی‌های بورژوازی مبارزه می‌کند، با «جبهه وحدت ملی شیلی» همکاری می‌کند.»

مسائل سیاسی را با زور نمیشود حل کرد

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

جمع‌آوری در عروسی یکی از اعضاء حزب توده ایران در شهر کرد ۲۱۵۰۰ ریال  
کمک مالی از اسفهان ۶۰۰۰۰ ریال  
هواداران حزب توده ایران در دماوند ۹۴۰۰۰ ریال  
علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کی‌منش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شام‌اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

رقبای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اشاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

اسلامی ایران مخالف نیستید... بکرات گفته‌ایم که، کسیکه واقعا انقلابی است، کسیکه حقیقتا در خط امام است، کسیکه در راستای انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی حرکت میکند، برابر رهنمودهای مکرر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و دیگر مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی، نباید نظام جمهوری را مشوش کند، جو کشور را متشنج سازد، با اعمال زور مانع فعالیت مجاز و قانونی احزاب و سازمانها و گروه‌های سیاسی شود.

کند، محل کار و دفتر گروهی را اشغال، خراب یا غارت نماید. گرچه اکثریت قریب با اتفاق مردم رزمنده ایران، انقلابی بودن خود و پشتیبانی جدی از جمهوری اسلامی ایران را در عمل به بارزترین شکلی نشان داده‌اند، معذالک در هر حال انقلابی نبودن رانمی‌توان جرم محسوب داشت اما در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، ضدانقلابی بودن جرم است، جنایت است، و برابر اصل کلی و مسلم حقوقی باید جرم را به اثبات رساند نه مجرم نبودن را. به عبارت دیگر، به صرف تهمت «ضد انقلابی بودن»، «مخالف جمهوری اسلامی ایران بودن» نمیتوان از فعالیت یک سازمان، حزب یا گروه سیاسی جلوگیری کرد (محل کار، دفتر یا باشگاه آنرا اشغال نمود) و بعد گفت: بی‌ایم و ثابت کرد که شما ضد انقلابی نیستید، با جمهوری

اگر انقلابی است، باید بتواند به کار و کوشش سازنده و فعالیت انقلابی خود به بهترین وجهی ادامه دهد. اما ماهیت و صلاحیت انقلابی گروه‌ها، سازمانها و احزاب سیاسی را نمیتوان با نظر اشخاص مختلف تعیین کرد. برای این کار موازین قانونی لازم است تا از آنها مسئول مملکتی (و نه «اشخاص مترقیه») به‌سرا رهبران و مسئولان گروه‌ها و سازمانها و احزاب بنشینند و بررسی کنند، برپایه این موازین قانونی قضاوت نمایند، حکم بدهند و اجرا کنند. و این رسیدگی تازه در صورتیست که ماهیت ضدانقلابی، و لذا عدم صلاحیت قانونی گروه یا سازمان و یا حزب سیاسی از جانب شخص واقعی یا حقوقی، با مدارک و اسناد لازم رسماً مطرح و ثابت شود. نه اینکه کسی، درجائی، سخنی بگوید، عده‌ای را تحریک و تحریص

در جمهوری اسلامی ایران کسی منکر این حقیقت نیست که فعالیت قانونی، آزاد و بلا مانع سازمانها، احزاب و گروه‌هاییکه به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وفادارند و در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند، باید تامین و تضمین شود. چون این فقط به نفع انقلاب، به‌خیر جمهوری اسلامی ایران، به‌سود آزادی، استقلال، ترقی و بهروزی کشور و مردم است. تفاوت بین‌ها و برخورد‌ها در این مورد، بحث‌ها و گفتگوها (البته، سالم و بی‌پیشداوری‌های مفرضانه در نظر است) میتواند پیرامون ماهیت انقلابی گروه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی دوزند، که این امریست عقلائی. اگر حزبی، سازمانی، گروهی و فردی ضدانقلابی است، در نظام جمهوری اسلامی ایران نمیتواند و نباید از امکان فعالیت آزاد ضد انقلابی برخوردار باشد. و بعکس،

مرگ پر امپریالیسم جهانخوا را آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

### ياسر عرفات:

## ما به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارج می نهیم

پرسش: آیا نفوذ اتحاد شوروی به سازمان آزادی بخش فلسطین افزایش یافته است؟  
 پاسخ: بنظر ما اتحاد شوروی نیروی است که به مردم فلسطین برای بازیابی حقوقشان کمک میکند. بدیهی است که مردم ما از اظهاریه های مثبت دولت شوروی شادمان میشوند. از سوی دیگر، مردم ما می بینند که اسرائیل همه گونه

سلاح های مدرن دریافت میکند، تا بما تهاجم ورزد.  
 پرسش: وقتی که شورویها صورت حساب را فرستادند، چه پاسخ: ما هیچ صورت حسابی را نمی پردازیم. ما کمونیست نیستیم. ما بخلاف اسرائیل در خاورمیانه عامل کسی نیستیم. ما از اینکه بخشی از جنبش غیرمتهمها هستیم، بخود می بالیم و به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارج می نهیم.

### دولت جدید ...

بقیه از صفحه ۱  
 آقایان تفاهم کنید ولی این منازعات و مشاجرات است که بالا میگیرد و تفاهم دورتر می رود و دست نیافتنی تر میشود. کفایت است به عکس العمل محافل امپریالیستی نسبت به علنی شدن و شدت یافتن این مشاجرات لفظی و قلمی توجه کنیم و به بنییم آنها با چه شادی و امیدواری باین رویارویی نامتناسب با نیاز انقلاب، برخورد میکنند، تا به آسانی درک کنیم که ادامه این وضع چقدر بزبان انقلاب و جمهوری اسلامی تمام میشود.

تفاهم، يك تفاهم جدی و اصولی بین دست اندرکاران حکومت بر سر مواضع و برنامه های انقلابی و دولتی مبرم است.

تفاهم، يك تفاهم وسیع و سراسری، اصولی و مستحکم بین کلیه نیروهای راستین انقلابی، صاحب عقاید و نظرات مختلف بر سر برنامه های روشن و دقیق بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی ایران، سرکوب ضدانقلاب، سازندگی کشور، پیشرفت سالم و مستقل جامعه و خدمت به میلیونها ایرانی زحمتکش و محروم دارای اهمیت حیاتی است.

در این نخستین روزیکه کلیه نهادها مستقر شده و باید مرحله تازه ای آغاز شود، به تفاهم اصولی، به وحدت انقلابی توجه کنیم. تفاهم را بدرقه راه دولت جدید سازیم، با این امید که برنامه

دولت، دقیق و علمی، با توجه به حادثترین و مبرمترین نیازهای انقلاب ما و حیاتی ترین خواسته های مردم ما، و باتکیه بر اصل اساسی دفاع و تحکیم «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» این شعار کبیر انقلاب ما تدوین شود.

همه کس، چه دولتمداران، در هر جا و مقام که هستند، و چه انقلابیون راستین، در هر سازمان و گروه حزبی که متشکلند، باید قلب نمای اصلی نبند علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و توطئه های رنگارنگ ضدانقلابی از یک سو، و موازی با آن، خدمت به مستضعفین و رهائی آنان از چنگال فقر و سیاه مادی و معنوی، عقب ماندگی معیشتی و فرهنگی از سوی دیگر، را معیار اصلی فعالیت و قضاوت خود قرار دهند.

اینک وقت آنست که هر انقلابی، و منجمله آنکه نظرات انتقادی دارد، با روحیه سازندگی، در راه تحکیم نهاد های جمهوری و قوای سه گانه آن، در جهت همان قلب نمای اصلی و بخاطر تدوین و اجرای برنامه دولت جدید در همه زمینه ها بکوشد.

### سخن خان سفیر سابق ...

بقیه از صفحه ۱  
 نخواهد کرد. آمریکا گروگانها را می خواهد ...

اینجا خطوط اصلی آن «سیاستی است که دستهای خونین امپریالیسم آمریکا را در اب توبه می شوید، «ماهیت» آن را تغییر یافته اعلام میکنند تهاجمات بیلی آمریکا و تهاجمات بعدی آن را بخاطر نجات گروگانهای جاسوس میداند، و باین ترتیب نه تنها آمریکا را تبرئه می کند، بلکه گناه تهاجم نظامی آمریکا را به گردن ایران می اندازد. این «سیاست» که از جانب محافل معینی پیگیرانه دنبال میشود ماهیت چنانکارانه آمریکا را که همان سرشت امپریالیسم یعنی سیاست انحصارات بزرگ نظامی مالی، صنعتی و ... است، لاپوشانی می کند و هدف آن را نه آزاد شدن دوباره دستهای این انحصارات برای غارت و جنایت در مین ما، بلکه در هدف «بشر دوستانه» آزاد کردن گروگانها تبلیغ می کند.

امپریالیسم خونخوار آمریکام همین سیاست را، که از «سیاست» تجویز شده، بشیرمانه در جهان تبلیغ می کند تا برای تهاجم نظامی به ایران بهانه داشته باشد.

آمریکا که در واقع ایران را می خواهد، فریاد میزند که گروگانها را می خواهد. آمریکا و ایادی اش در ایران تبلیغ می کنند که آمریکا اگر در طیس قوای نظامی پیاده می کند، اگر توطئه کودتای ۱۸ تیر را سازمان میدهد، اگر از نقاط زیر نفوذ خود مرزهای ایران را محاصره میکند، اگر بنادر عمان و سومالی را از زیروهای ضربتی پر می کند و اگر دست به صدها گروگان میزند ... گروگانها را می خواهد.

روی دیگر این «استدلال» اینست که آمریکا وقتی گروگانی در ایران نداشت، دست به این قبیل اعمال نمی زد! درست همین جا است که سفیر

### دهقانان مینویسند:

روزنامه محترم نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، ما اهالی روستای ناولد و دولت آباد، بعضی می رسانیم. آب چشمه معروف به چشمه کلین دانی، متعلق و مختص به قریه ناولد و دولت آباد از محال سنجد خلخل می باشد و از سال ۱۳۱۷ قمری برای سند رسمی و پرونده ثبتی، زارعین قراء مزبور از آب چشمه جهت آبیاری مزارع و نیز برای استفاده احتیاج مصرف می کردند. از سال ۱۳۵۲ رئیس آبیاری، که هنوز هم در مقام خودش باقی است و از فئودالهای شیرج آباد بوده، پارتی بزی کرده و به بهانه اینکه این چشمه رودخانه است و تمام روستاها باید استفاده کنند، بزور توسط ماموران طاغوت آب به شیرج آباد می برد و از آنها رشوت می گرفت. ما به این عمل اعتراض نموده و شکایتیایی به مقامات ذیصلاح دادیم که نتیجه ای نکرقتیم. بوسیله همین شخص ۱۱ نفر از اهالی ناولد و دولت آباد بمدت ۲ ماه در زندانهای هروآباد و اردبیل بازداشت شدند.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ما، که انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین است و تمام زحمتکشان انتظار دارند که تمام آثار دوران طاغوت از بین برود، متأسفانه بازم گذشته فئودال دست به اقدامات گزشته خود زده و می خواهد با زور آب این چشمه را از دست ما بگیرد و اگر این مستکبر بتواند به این کارش جامه عمل بپوشاند، این ده روستا، که ۱۳۰ خانوار است، تمام مزارع و باغات و حتی احتیاج خود را از دست خواهند داد و در نتیجه مجبور خواهند شد از ده کوچ کرده روانه شهرها شوند. بعد از انقلاب چندین

### چهره های رنگارنگ

بقیه از صفحه ۱  
 اسلامی ایران و خطاب به اقتدار مختلف، از طرف آنها صادر می شود. ضدانقلابیون گاه مستقیماً به رهبر انقلاب حمله می کنند، گاه به حزب توده ایران به منابه حامی راستین انقلاب، لجن پراکنی می کنند، گاه بخیل خود مردم را می نوازند و از آنها می خواهند که علیه رهبر انقلاب، و در حقیقت انقلاب، بپاییزند و گاه نیز با تهدید، مردم را به شورش علیه انقلاب فرامی خوانند.

این عوامل وابسته، که به رهبری امپریالیسم آمریکا بارها و بارها نقش مبارزه با نهضت های مترقی و انقلابیون راستین را تمرین کرده اند، در سلیسی آئینده را کشته اند، در اندوختی صدها هزار نفر را کشتار کرده اند، در ایران کودتای ۲۸ مرداد را راه انداخته اند، ویتنام را به خاک و خون کشیده اند و ... اینک با همان سلاح ها وارد عرصه کارزار شده اند: يك روز در پوشش، در حالی که در یک سوی شهر اسلحه قاچاق پخش می شود، از جانب ارتش به اصطلاح رهائی بخش ایران، از «ایران پرستان» خواسته می شود که متشکل شوند؛ روز بعد، در حالی که عده ای زیر عنوان «حزب الهی» به دفاتر احزاب و سازمانهای وفادار به انقلاب، و از جمله «بوتره حزب توده ایران» حمله می کنند، «سازمان مرگ» در حوالی پارک وی ده ها اعلامیه علیه روحانیت مبارز ایران پخش می کند. در همین لحظات در خیابان مصدق حدود ۱۰۰۰ نامه پخش می شود که محتوی عکس شاه سابق، سگ زنجیری

آمریکاست، و فرای آن روز در سطح کارخانجات پارس الکتریک، کارتهای چاپور بختیار، با پرچم ایران و شعار «چو ایران در دست آمریکا نباشد، تن تریاکی من مباد، پخش می شود. همزمان با این اعمال سازمان سیاسی ساخته ای بنام «تقاب» که «ایرانی دیندار» است، از هر ایرانی اصیل (!) می خواهد که دست یاری خود را به سوی شاپور بختیار، این عروسک تریاک امپریالیسم، دراز کند.

این جبهه که عموماً «ایرانیان دیندار» از نوع بختیار و زریه، در آن عضویت دارند، گاه نیز که از کشیدن دست «نوازش» بر سر ایرانیان خسته می شود، به تهدید همین ایرانیان می پردازد و آنها را به مجازات بشارت می دهد، و درست همانگونه که در شیله عمل شده، باترساندن اقتدار متوسط، آنها را در حقیقت به صف مقابل انقلاب هل می دهد. این گروه ضدانقلابی، زیر نام «اسلام» به بازاریان می گوید که اگر کالاهای خود را از ایران نکند، مغازه تان را به آتش می کشیم، و زیر همین عنوان، غلات روستائیان را می خرد، تا در بازار کبود بپوشد و در نتیجه هم بازاری ناراضی شود، هم خریدار.

این گرگهای یوسف دریده در همان حال که مردم را تهدید به مرگ می کنند، آنهم زیر اسم «گروه پیشتازان اسلام»، در داخل ایلات ایران دست به تحریک و توطئه می زنند و تطفه های به اصطلاح مقاومت علیه انقلاب ایران را شکل می دهند. این انگلهای ضد بشر برای راه یابی به خانه های ایرانیان از

## حجت الاسلام موسوی خوئینی ها: امریکا گروگانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در گفت و شنود تلفنی روزنامه اطلاعات، به مسوالات مردم پاسخ داد.

حجت الاسلام خوئینی ها در پاسخ يك سؤال گفت: «باید بدانید که آمریکاماهیتا يك عنصری تجاوزگر است که بسادگی دست از سرما برنمی دارد. این ماهستیم که باید دستش را قطع کنیم».

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: بر وسیله ای استفاده می کنند؛ پشت خانه ها اعلامیه می اندازند، کارت تبریک دشمنانه می دهند، برای مردم می فرستند، نوارهای ایران همراه با سخنرانی شاپور بختیار را پخش می کنند و اخیراً هم کاغذهای بزرگ شامل جملات ضدانقلابی، به خشکسوییها می دهند، تا لباس های مردم را در در دل دوست (آمریکا) بپوشانند.

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در گفت و شنود تلفنی روزنامه اطلاعات، به مسوالات مردم پاسخ داد.

حجت الاسلام خوئینی ها در پاسخ يك سؤال گفت: «باید بدانید که آمریکاماهیتا يك عنصری تجاوزگر است که بسادگی دست از سرما برنمی دارد. این ماهستیم که باید دستش را قطع کنیم».

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: بر وسیله ای استفاده می کنند؛ پشت خانه ها اعلامیه می اندازند، کارت تبریک دشمنانه می دهند، برای مردم می فرستند، نوارهای ایران همراه با سخنرانی شاپور بختیار را پخش می کنند و اخیراً هم کاغذهای بزرگ شامل جملات ضدانقلابی، به خشکسوییها می دهند، تا لباس های مردم را در در دل دوست (آمریکا) بپوشانند.

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در گفت و شنود تلفنی روزنامه اطلاعات، به مسوالات مردم پاسخ داد.

حجت الاسلام خوئینی ها در پاسخ يك سؤال گفت: «باید بدانید که آمریکاماهیتا يك عنصری تجاوزگر است که بسادگی دست از سرما برنمی دارد. این ماهستیم که باید دستش را قطع کنیم».

حجت الاسلام خوئینی ها افزود: بر وسیله ای استفاده می کنند؛ پشت خانه ها اعلامیه می اندازند، کارت تبریک دشمنانه می دهند، برای مردم می فرستند، نوارهای ایران همراه با سخنرانی شاپور بختیار را پخش می کنند و اخیراً هم کاغذهای بزرگ شامل جملات ضدانقلابی، به خشکسوییها می دهند، تا لباس های مردم را در در دل دوست (آمریکا) بپوشانند.

نامه هروم  
 ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
 و مدیر مسئول:  
 منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)  
 هنوز در اختیار  
 نامه مردم نیست)

NAMEH  
 MARDOM

No. 330  
 11 September 1980

Price:  
 West-Germany 0.80 DM  
 France 2 Fr.  
 Austria 8 Sch.  
 England 20 P.  
 Belgium 10 Fr.  
 Italy 350 L.  
 U.S.A. 40 Cts  
 Sweden 1.50 Skr.

## تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است